

تأثیر وضعیت سیاسی، نظامی و مذهبی عصر ایوبیان بر تاریخ‌نگاری مصر و شام^۱

احمد بادکوبه هزاره^۲

معصومه آبانگاه ازگمی^۳

چکیده: تاریخ‌نگاری مصر و شام که در دوره ایوبیان از رشد قابل توجهی برخوردار شد، با مشخصه‌های خاص خود ظهور کرد. نگارنده این نوشتار بر آن است دگرگونی‌های صوری و محتوایی تاریخ‌نگاری این دوره را تبیین کند. بخش عمده‌ای از علل بروز چنین تحولاتی را باید در فضای حاکم بر جامعه ایوبی جست‌وجو کرد. اقدامات سیاسی، نظامی و مذهبی دولت و بروز جنگ‌های صلیبی، از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تنوع اشکال، انواع و محتوای تاریخ‌نگاری عصر ایوبی است. در این دوره، تواریخ دودمانی و تک‌نگاری درباره سلاطین، تاریخ‌های محلی و تراجم‌نویسی گسترش یافت و تاریخ‌های عمومی با افول مواجه شد. تاریخ‌نگاری توصیفی نیز از اقبال بیشتری برخوردار شد. توصیف جنگ‌ها، فتوحات و لشکرکشی‌ها و به‌طور کلی مضامین سیاسی و نظامی، در نوشته‌های تاریخی این دوره غلبه‌ای آشکار یافت. تلاش مورخان برای بزرگداشت صلاح‌الدین و ایوبیان، از دیگر مشخصه‌های بارز تاریخ‌نگاری عصر ایوبی است که به‌طور عمده با نثری مسجع، ادیبانه و آهنگین، عرضه شده است. عمادالدین اصفهانی، ابن شداد، ابوشامه، قفطی، ابن ابی طی، ابن عدیم، ابن واصل و اسامه‌بن منقذ از جمله نمایندگان تاریخ‌نگاری مصر و شام در عصر ایوبیان به‌شمار می‌روند.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری، عصر ایوبیان، مصر و شام، صلاح‌الدین، جنگ‌های صلیبی

۱ این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۴۲۰۴۰۱۲/۰۱/۰۶ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

۲ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران hazaveh@ut.ac.ir

۳ کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول) M_Abangah1359@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۵ تاریخ تأیید: ۹۵/۴/۱۹

The effect of the political, military and religious Ayyubids era in the historiography of Egypt and Syria

Ahmad badkoubeh hazaveh¹

Masoomah abangah azgomi²

Abstract: The Historiography of Egypt and Syria, At the same time during the reign of the Ayyubids, Enjoyed considerable growth and prosperity and with its own characteristics emerged. This article attempts Has caused changes in the form and content of the historiography of the period examined. Obviously, Much of the causes of such developments should be sought in the context of Ayyubi.

The political, military and religious crusades of government and among the most important factors affecting a variety of forms, types and content of the Ayyubid era historiography. In this period, Forms such as Dynastic history and Monographs on individuals, Local historiography and Prosopography were general decline. Descriptive historiography, which provides a context appropriate to address the issue epic, was more lucky. Description of wars, conquests and campaign and general, Political and military themes were evident in the historical writings of this period. Historians try to celebrate Saladin and the Ayyubids The typical features of Ayyubid era historiography is Mainly with rhymed prose, literary and musical, in the historical texts of the period presented. Imad ad-Din al-Isfahani, Ibn Shaddad, Abu Shama , Al-Qifti, Ibn Abi Tayyi, Ibn Al –Adim, Ibn Wasil, Ibn Munkidh And many others, including representatives of the historiography of Egypt and Syria, are in the Ayyubids era.

Key words: Historiography, Ayyubids era, Egypt and Syria, Saladin, the Crusades

1 Associate professor, dept of Islamic history and civilization, Tehran university hazaveh@ut.ac.ir

2 Senior expert of Islamic history, Islamic school university M_Abangah1359@yahoo.com

مقدمه

سیر تاریخ‌نگاری اسلامی، دوره‌های مختلفی از فراز و فرود را پشت سر نهاد و در هر دوره به سبب بروز عوامل متعدد، با ویژگی‌های خود ظهور کرده است. این جریان مداوم، در میانه سده‌های ششم و هفتم هجری، با ایام فرمانروایی دولت ایوبیان (حک: ۵۶۷-۶۵۸ق) در مصر و شام مقارن شد. تاریخ‌نگاری مصر و شام که در آستانه ظهور این دولت، به سبب بروز برخی تحولات سیاسی و فرهنگی منطقه، گرفتار رکود و ایستایی نسبی بود، با روی کار آمدن ایوبیان شافعی‌مذهب و بروز برخی اقدامات عمرانی و فرهنگی، از رشد چشمگیری برخوردار و با ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای خود متمایز شد.^۱

دوره ایوبیان که در واپسین سال‌های حیات خلافت عباسی واقع شده، مملو از فراز و نشیب‌های سیاسی، نظامی و مذهبی است. عصری که به سبب تشدید کشمکش‌های سیاسی و دینی و جدال‌های قومی و قبیله‌ای میان مدعیان خلافت و ناتوانی خلفا در اداره حکومت، منجر به تجزیه جهان اسلام و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های اقتصادی در قلمرو اسلام شده بود.^۲ در این میان، ظهور دولت مقتدر ایوبی و تلاش صلاح‌الدین بنیانگذار این دولت، برای برقراری ثبات سیاسی و مذهبی در منطقه مصر و شام از یک سو و رویارویی وی و جانشینانش با مهاجمان صلیبی از سوی دیگر، پدیده‌های مهم و قابل توجه در عرصه سیاسی، نظامی و مذهبی این مناطق به شمار می‌رفت. صلاح‌الدین با انقراض دولت شیعی مذهب فاطمیان و تلاش برای اشاعه مذهب تسنن، سیطره سیاسی و دینی مجدد خلافت عباسی را در مصر و شام احیا کرد.^۳ سیاست دولت در احداث مدارس دینی نیز فضای تقریباً متفاوتی را برای اندیشمندان این مناطق به وجود آورد.^۴

۱ درباره تاریخ‌نگاری مصر و شام پیش از ایوبیان ن. ک: عبدالغنی بسری (۱۴۱۱ق)، معجم المؤرخین المسلمین حتى القرن الثانی عشر الهجری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۱، ص ۲۱-۲۷؛ محمد عبدالله عنان (۱۹۹۱م)، مورخو مصر الاسلامیة و مصادر التاریخ المصری، قاهره: دار عالم المعرفة، ص ۸-۶۰

۲ برای آگاهی بیشتر ن. ک: ابن عبری (۱۹۹۲)، تاریخ مختصر الدول، بیروت: دار الشرق و دار بیروت، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۳۲؛ طقوش (۱۳۹۱)، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۷، ص ۲۷-۲۹.

۳ ن. ک: ابن کثیر (۱۴۰۷)، البدایة و النهایة، ج ۱۲، بیروت: دار الفکر، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ ابن عبری، ص ۲۱۲؛ ابن عماد (۱۴۰۶)، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۶، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱ و نیز

Lewis, Bernard (2008), "Egipt and Syria", V IA, London: Cambridge University Press, p 201-202

۴ درباره مدارس دینی عصر ایوبی ن. ک: نعیمی (۱۴۱۰ق)، المدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۵۱؛ محمد راغب طباطبا (۱۴۰۸ق)، إعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۲، حلب: دار القلم العربی، ج ۲، ص ۶۳-۷۳.

تردیدی نیست که مورخ به عنوان یک انسان اجتماعی نمی‌تواند بی‌تأثیر از شعاع تحولات جامعه خود باشد و آنگاه که به نگارش تاریخ می‌پردازد، علاوه بر اینکه از باورها، علقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و فرقه‌ای خود متأثر است، از تحولات به وجود آمده در جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد و متأثر از فضای سیاسی، نظامی، فکری و مذهبی زمان خود، مضامین آثارش را برمی‌گزیند و در اشکال و قالب‌های مناسب عرضه می‌کند.^۱ بنابراین بازتاب عمده‌ترین دگرگونی‌های زمان مورخان را می‌توان از درون‌مایه و شکل آثار آنها دریافت. البته این مسئله که میزان این تأثیرگذاری بر اندیشه و عملکرد تاریخ‌نگاری افراد، تا چه اندازه بوده و چه نقشی در گزینش وقایع و رویدادها توسط او داشته، مسئله‌ای قابل تأمل و بررسی است که بی‌شک در ارزیابی متون تاریخی هر دوره و تشخیص اعتبار و اهمیت داده‌های آنها مهم و ضروری به‌نظر می‌رسد.

بازتاب فضای حاکم بر دوره ابویان را نیز می‌توان بر گستره و تنوع اشکال و انواع تاریخ‌نگاری و همچنین محتوا و درون‌مایه اغلب تاریخ‌نویسندگان این دوره ملاحظه کرد. نگارنده این نوشتار، درصدد است با مطالعه شاخص‌ترین آثار تاریخی این دوره و بررسی عمده‌ترین مضامین آنها، چگونگی تأثیرگذاری فضای سیاسی و نظامی عصر ابویی را بر صورت و محتوای متون تاریخی ارزیابی کند و بدین‌وسیله اهمیت و جایگاه تاریخ‌نگاری این دوره را در مسیر کلی تحول و تطور تاریخ‌نگاری اسلامی تبیین کند. بدیهی است به سبب کثرت کتاب‌های تاریخی دوره ابویان، فقط منابع شاخصی که نسخه چاپی آنها در دسترس بوده، مورد بررسی قرار گرفته است و آن بخش از منابع که مفقود شده و یا به صورت نسخه‌های خطی موجودند، جز به قدر کفایت، از حوزه بحث خارج می‌شوند. افزون بر این، فقط مورخانی که در گستره زمانی دوره ابویان (۵۶۷ق-۶۵۸ق) و اندکی پیش و پس از آن می‌زیستند و در محدوده مکانی قلمرو اصلی ابویان؛ یعنی مصر و شام سکونت داشته و یا دست‌کم زمان قابل‌توجهی از دوره حیات علمی خود را در این مناطق سپری کرده باشند، مورد نظر قرار می‌گیرند؛ لذا تاریخ‌نگارانی نظیر ابن‌اثیر (د. ۶۳۰ق)، با وجود اینکه هم‌عصر ابویان بوده است، به دلیل سکونت در موصل که هرگز به تصرف ابویان در نیامد و ابوالفداء (۶۷۲-۷۳۲ق) به‌رغم آنکه از اعقاب امیران ابویی است، ولی فضای سیاسی و نظامی حاکم بر عصر ابویان را درک نکرده است، در گستره بحث جای نمی‌گیرند.

۱ در این باره ن. ک. ای. اچ. کار (۱۳۸۷)، تاریخ چیست، تهران: خوارزمی، ج ۶، ص ۳۷-۵۹.

۱. دگرگونی‌های شکلی و صوری تاریخ‌نگاری

سخن گفتن درباره اشکال تاریخ‌نگاری عصر ایوبیان دشوار است؛ زیرا بیشتر منابع این دوره، به گونه واحدی تنظیم نشده و عموم آنها همزمان در زمره اشکال مختلفی، قابل بررسی است. با این همه ضمن اینکه در عصر ایوبیان شیوه سالشمارانه،^۱ اسلوب معمول تاریخ‌نگاری مصر و شام بود، برخی از اشکال و قالب‌های خاص به سبب بروز تحولات سیاسی و نظامی با اقبال بیشتری روبه‌رو شد که در حد میسور به آنها پرداخته می‌شود.

۱.۱. رشد تاریخ‌های دودمانی و تک‌نگاری درباره سلاطین

تاریخ‌های سلسله‌ای با محوریت موضوع پادشاهان و اقدامات سیاسی و نظامی آنها به عنوان شکل معمول تاریخ سنتی،^۲ شیوه‌ای مرسوم در تاریخ‌نگاری عصر ایوبی به شمار می‌رود. مورخان ایوبی همانند سایر تاریخ‌نگاران مسلمان، در امتداد نظریه تکرار چرخه‌های سیاسی، به نگارش تاریخ‌های سلسله‌ای و نگاشتن درباره دولت‌ها عنایت خاصی نشان داده‌اند.^۳ آنان که گویا در پس ذهن خود، علل جابه‌جایی قدرت‌ها را جست‌وجو و تاریخ را راهنمایی برای دولت حاضر تلقی می‌کردند، ذکر فعالیت‌های فرمانروایان و درباریان‌شان را به درون‌مایه اصلی کتاب‌های تاریخی بدل کردند. با گسترش حضور فعال درباریان و رجال سیاسی و ورود دیوانسالاران و صاحب‌منصبان دولتی به عرصه تاریخ‌نگاری این دوره، کار تدوین تاریخ‌نوشته‌های سیاسی و سلسله‌ای رونقی مضاعف یافت.^۴ *نصرة الفتنه و عصرة الفطرة* درباره اخبار سلجوقیان،^۵ تألیف عمادالدین اصفهانی (د. ۵۹۷ق)، *نزهة المقاتلین فی أخبار الدولتین* درباره تاریخ فاطمیان،^۶ نوشته ابن طویر (د. ۱۷ق) و *تاریخ آل سلجوق*^۷

۱ در این باره ن. ک: صادق سجادی و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت، ج ۳، ص ۷۱-۷۲.
 ۲ ن. ک: مایکل استنفورد (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تاریخ‌نویسی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و سمت، ج ۴، ص ۶۵؛ جولای اسکات میثمی (۱۳۹۱) *تاریخ‌نگاری فارسی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات ماهی، ج ۱، ص ۲۲.

۳ میثمی، ص ۲۴.

۴ ابوالفضل شکوری (۱۳۸۰)، *درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسلمانان*، قم: پژوهشکده تاریخ و سیره، ج ۱، ص ۷۶.

۵ ن. ک: یاقوت حموی (۱۴۱۴ق)، *معجم الأدباء*، ج ۶، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ج ۱، ص ۲۶۲۷-۲۶۳۰؛ فتح‌بن علی بنداری (۱۹۷۹م)، *سنا البرق الشامی*، قاهره: مکتبه الخانجی، ص ۱۸۳.

۶ ن. ک: قلقلشندی (بی‌تا)، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۱۴ و ج ۲، ص ۱۰۰؛ مقریزی (۱۴۱۸ق)، *المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط و الآثار*، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۷۹.

۷ ن. ک: حاجی خلیفه (۱۴۱۳ق)، *کشف الطنون عن اسامی الکتب و الفنون*، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۲۸۳؛

تاریخ بنی‌بویه^۱ دو اثر ابوالحسن قفطی (د. ۴۷۰ق) نمونه‌ای از این موارد است.

در این میان، تک‌نگاری درباره صلاح‌الدین و دولت ایوبیان بیش از همه رواج داشته است. تک‌نگاری که در سده‌های نخستین اسلامی در قالب تدوین مقاتل و سیره عرضه می‌شد،^۲ با مورخان عصر ایوبی عرضه جدیدی یافت. حضور خاص صلاح‌الدین، زمینه مطالعات تبارشناختی مناسبی را پیش روی کسانی قرار می‌داد که اسلوب اینگونه تاریخ‌نویسی را آموخته بودند.^۳ چهره مشروع و مقبول صلاح‌الدین و جانشینان او، موجب شد تاریخ‌نگارانی که به کارکرد الگویی و خاصیت فایده‌مندی تاریخ نظر داشتند، از آن به عنوان ابزاری کارآمد برای حمایت از دولت ایده‌آل خویش بهره‌برند و به ثبت و ضبط تاریخ دولتمردان ایوبی پردازند. عمادالدین کاتب اصفهانی (د. ۵۹۷ق) که از قربان‌دربار صلاح‌الدین بود، *الفتح القسی فی الفتح القدسی* را در توصیف احوال سلطان نگاشت.^۴ وی حوادث شام را از فتح بیت‌المقدس در سال ۵۸۳ق. تا سال وفات صلاح‌الدین ایوبی (د. ۵۸۹ق) تدوین کرده است. مؤلف ضمن اشاره به ارسال نامه‌های سلطان به ممالک اطراف و دعوت از آنها برای شرکت در جنگ با صلیبیان و همراهی کردن سپاه شام،^۵ از حرکت صلاح‌الدین به سوی سرزمین‌های تحت اشغال فرنگان نظیر طبریه، عکا، قیساریه، نابلس، صیدا، بیروت، عسقلان و غیره خبر داده و چگونگی فتح آنها را یکی پس از دیگری تشریح کرده است؛ سپس به فتح قدس و رخدادهای پس از آن تا سال وفات صلاح‌الدین (د. ۵۸۹ق) و ادامه فتوحات سلطان در دیگر قلمروهای مسیحیان نظیر لاذقیه، جبله، کرک و انعقاد پیمان‌های همکاری با ممالک اطراف و انعقاد صلح‌نامه با ریچارد، پادشاه انگلستان می‌پردازد.^۶ مؤلف اشاره مختصری در مورد تقسیم قلمرو ایوبیان میان فرزندان و برادران سلطان و برخی اقدامات ملک‌عادل (۵۹۲-

→

یاقوت، ج ۵، ص ۲۰۲۹-۲۰۳۰؛ سبط بن عجمی (۱۴۱۷ق)، *کنوز الذهب فی تاریخ حلب*، ج ۱، حلب: دار القلم العربی،

ج ۱، ص ۴۳۲-۴۳۳.

۱ ن: ک: سیوطی (۱۴۱۸ق)، *حسن المحاضره فی أخبار مصر والقاهره*، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲ برای مطالعه بیشتر ن: ک: حسین عطوان (۱۹۸۶م)، *روایة الشامین للمغازی و السیر فی القرنین الأول و الثانی الهجریین*، عمان: دار الجبل، ص ۱۳-۳۶، ۱۷-۴۷، ۱۵۳-۸۴۰؛ فؤاد سزگین (۱۴۱۲ق)، *تاریخ التراث العربی*، ج ۱، قم: مکتبه آیة‌الله العظمی المرعشی، ص ۲۱۱-۲۱۴.

۳ ن: ک: فرانکس روزنتال (۱۳۶۷)، *تاریخ تاریخ نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۴ ابن‌خلکان (۱۴۲۰ق)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، بیروت: دارالفکر، ج ۲، ص ۱۸۹، ج ۵، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۵ محمد عمادالدین کاتب اصفهانی (۱۴۲۵ق)، *الفتح القسی فی فتح القدسی*، قاهره: دار المنار، ص ۴۲-۴۵.

۶ برای نمونه ن: ک: همان، ص ۹۹-۱۱۲، ۱۱۵-۱۱۷، ۲۸۴-۲۹۳.

۱۵ق). نیز داشته، اما در حقیقت موضوع صلاح‌الدین، محور اصلی کتاب بوده است که با ذکر مناقب و فضایل او به پایان می‌رسد.

عمادالدین، البرق‌الشامی را نیز در شرح احوال صلاح‌الدین نگاشته است.^۱ البته متن کامل کتاب مفقود شده و فقط اجزای سوم و پنجم آن باقی مانده است. از نسخه مجمل فتح‌بن علی بنداری (د. ۶۴۳ق)، موسوم به *سنا البرق‌الشامی* نیز تنها مطالب ناقصی از سال‌های ۵۶۹ق. تا ۵۸۳ق. برجای مانده که البته نشان می‌دهد البرق‌الشامی به توصیف حوادث سال‌های ۵۶۲ق. تا ۵۸۹ق. اختصاص داشته است.^۲ عمادالدین ضمن اشاره به اواخر دوره حکومت نورالدین (حک: ۵۴۱-۵۶۹ق) و حوادث فتح مصر توسط شیرکوه،^۳ تاریخ حیات سیاسی صلاح‌الدین را از زمان انتصاب وی بر مسند وزارت مصر (د. ۵۶۳ق) تا وفات وی بیان کرده است. البرق‌الشامی مملو از گزارش‌های مفصلی درباره لشکرکشی‌های داخلی سلطان در برخی سرزمین‌های اسلامی و نبردهای وی با صلیبیان و فرنگان در شهرهای مصر و شام است.

قاضی بهاء‌الدین بن شداد (د. ۶۳۲ق) که از ملازمان و همراهان صلاح‌الدین در میادین جنگ بود، *النوادر السلطانیة فی محاسن الیوسفیة* را در سیره و شرح احوال و فتوحات سلطان تدوین کرده است. عنایت فراوان وی به ذکر خصایل و ویژگی‌های صلاح‌الدین و خاندانش، به گونه‌ای است که می‌توان آن را در زمره آثار تبارشناختی^۴ قرار داد.^۵ مؤلف در قسمت آغازین کتاب، گزارش مفصلی دربارهٔ ولادت، موطن، موقعیت خانواده سلطان و برخی ویژگی‌های فردی وی، نظیر توجه و مواظبت بر امور شرعی و دینی ارائه داده است. سپس با ذکر عناوین کلی نظیر «مراقبت سلطان بر نماز»، «زکات»، «روزه ماه رمضان»، «حج» و «قرائت قرآن» و غیره مطالب خود را تکمیل کرده است. سایر فضایل اخلاقی سلطان را نیز در باب‌های جداگانه با عناوینی چون «عدل»، «کرامت»، «شجاعت»، «اهتمام به جهاد»، «صبر و احسان»، «حلم و عفو» و «مروت» برشمرده و

۱ ابن‌خلکان، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ یاقوت، ج ۶، ص ۲۶۲۹.

۲ ن.ک: فتح‌بن علی بنداری (۱۹۷۹م)، *سنا البرق‌الشامی*، تحقیق فتحیه النبروی، قاهره: مکتبه الخانجی، ص ۴-۵.

۳ بنداری، همان، ص ۱۸-۱۹، ۲۳-۲۴.

۴ تبارشناختی یا نسب‌شناسی یکی از شیوه‌های تنظیم متون تاریخی در تاریخ‌نگاری اسلامی است. عرضه روابط نسبی به شکل شجره‌نامه، از مظاهر بارز آن به شمار می‌رود و اغلب به عنوان کتب انساب شناخته می‌شود. برای مطالعه بیشتر ن.ک: روزنتال، همان، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ سجادی و عالم زاده، ص ۷۹-۸۱.

۵ در این باره ن.ک: علی غفرانی (۱۳۸۰)، «پژوهش در منابع تاریخی دوره ایوبی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۰، ص ۲۶۳-۲۷۱.

نمونه‌هایی چند در این موارد عرضه داشته است. *النوادر السلطانية* در مقایسه با نوشته‌های کسانانی چون عمادالدین، کار کوچک و مختصری است، اما با زبانی فصیح‌تر و بی‌تکلف‌تر به بیان شرح حال و زندگینامه صلاح‌الدین پرداخته است. مؤلف مباحث تاریخی کتاب را با اخبار مربوط به ورود صلاح‌الدین بر عرصه سیاست مصر آغاز کرده،^۱ آنگاه شرح لشکرکشی‌های داخلی صلاح‌الدین در یمن،^۲ دمشق،^۳ حلب،^۴ موصل^۵ و غیره و نبرد با صلیبیان در حطین،^۶ عکا،^۷ عسقلان،^۸ بیروت،^۹ بیت‌المقدس^{۱۰} و برخی مناسبات صلح‌آمیز وی با صلیبیان و کشورهای مسیحی هم‌جوار را به صورت سالشمار شرح داده است.

کتاب *الروضتین فی أخبار الدولتین ابوشامه* (د. ۶۶۵ق)^{۱۱} یکی دیگر از تاریخ‌نوشته‌های دودمانی عصر ایوبی است که جزء اول آن به اخبار عصر نورالدین، ذکر نسب و ویژگی‌های فردی وی و همچنین اقدامات عمرانی و حکومتی او؛ و جزء دوم به شرح اخبار جنگ‌ها و فتوحات صلاح‌الدین و رویدادهای دیگر این دوره اختصاص یافته است. صرف نظر از نگاه آرمانی ابوشامه به نورالدین که وی را به توصیف ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی سلطان نظیر زهد، عدل، شجاعت، مراقبت بر حفظ اصول دینی، توجه به امور رعیت و غیره واداشته است،^{۱۲} به نظر می‌رسد ابوشامه اخبار این دوره را به عنوان درآمدمی بر تاریخ عصر صلاح‌الدین آورده که البته به تفصیل هم بیان شده است. وی مباحث خود را با ذکر اخبار مربوط به قتل خواجه نظام‌الملک وزیر سلجوقیان، وفات ملک‌شاه و سال‌های پایانی دولت سلجوقیان تا قتل ملک مودود امیر موصل آغاز کرده^{۱۳} و با

۱ بهاء‌الدین بن‌شداد (۱۴۱۵ق)، *النوادر السلطانية و المحاسن الیوسفیه* (سیره صلاح‌الدین)، تحقیق جمال‌الدین شیال، قاهره: مکتبه الخانجی، ص ۷۵-۸۰.

۲ همان، ص ۸۷-۸۸.

۳ همان، ص ۹۲-۹۳.

۴ همان، ص ۹۹-۱۰۰.

۵ همان، ص ۱۰۲، ۱۱۶، ۱۱۸.

۶ همان، ص ۱۲۶-۱۳۰.

۷ همان، ص ۱۳۲، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۶.

۸ همان، ص ۱۳۳، ۲۶۴، ۲۸۰.

۹ همان، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۱۰ همان، ص ۱۳۴-۱۳۶.

۱۱ حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۲۷.

۱۲ در این باره ن. ک: ابوشامه (۱۴۲۲ق)، *کتاب الروضتین فی اخبار الدولتین التّوریه و الصّلاحیه*، ج ۱، بیروت: دار الکتب

العلمیة، ج ۱، ص ۹۲.

۱۳ ن. ک: ابوشامه، *الروضتین*، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۸.

پرداختن به عمادالدین و نورالدین و اخبار مربوط به قدرت یافتن اتابکان زنگی در موصل و تاریخ عصر زنگیان، چگونگی استیلای فرنگان بر نواحی مسلمان‌نشین مصر و شام را به تصویر کشیده است. همچنان که وی با پرداختن به اخبار فاطمیان و تشریح وضعیت سیاسی این دولت در سال‌های پایانی حکومتشان و حملات شیرکوه به مصر، راه به تاریخ عصر صلاح‌الدین می‌برد. باقی مطالب کتاب دربارهٔ لشکرکشی‌های داخلی و فتوحات خارجی صلاح‌الدین تا وفات او و مختصری دربارهٔ میراث وی و تقسیم قلمرو میان فرزندان و برادرانش است که از تمرکز مؤلف بر موضوع صلاح‌الدین و حکومت او حکایت می‌کند.

ابن‌واصل (د. ۹۷۰ع) اثر خود *مفرج الکروب فی أخبار نبی‌ایوب*^۱ را به شرح احوال و اخبار دولت ایوبیان از آغاز حکومت این سلسله تا سال‌های پایانی حکمرانی آنها در مصر اختصاص داده است. او در این کتاب تا حدی از دایره قلمرو ایوبیان فراتر رفته و با پرداختن به رخدادهای بغداد و شمال عراق، اتابکان موصل، سلاجقه روم و پیشروی‌های جلال‌الدین خوارزمشاه در آذربایجان، کرمان، کرج، قلیس و غیره رنگ عمومی‌تری به تاریخ دودمانی خود داده است، اما گویی وی نیز که متأثر از ابوشامه بوده، این مباحث را به عنوان مدخلی برای ورود به بحث اصلی کتاب، یعنی تاریخ ایوبیان آورده است تا بدین وسیله نقش آنها را در بروز رخدادهای سیاسی دوره ایوبی نمایان سازد.^۲ وی کتابش را با مقدمه‌ای در وصف فضایل ایوبیان و نسب خاندان ایوبی و چگونگی ورود اخلافشان به عرصه سیاست شام آغاز کرده و پس از آنکه مختصری درباره دولت‌های مذکور ارائه داده، اخبار دولت صلاح‌الدین و جانشینانش را تا وفات ملک کامل به سال ۴۵ع. بیان کرده است.

جالب است که گرایش به تک‌نگاری دربارهٔ ایوبیان، به مورخان سنی‌مذهب اختصاص نداشته است و برخی تاریخ‌نگاران امامیه‌مذهب این دوره، نظیر ابن‌ابی‌طی حلبی (د. ۶۳۰ع)، اقدام به نگارش تاریخ‌هایی در این زمینه کرده‌اند؛ که *کنز الموحدين فی سیرة صلاح‌الدین یا سیرة الصلاحیه* و نیز *عقود الجواهر فی سیرة الملك الظاهر* نمونه‌هایی از آن است.^۳ با این همه، نوشتن درباره صلاح

۱ حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۷۷۲.

2 Hilmy. Ahmad, "Some note on Arabic historiography during the Zengid and Ayyubid periods", p 94

۳ ن.ک: همان، ج ۱، ص ۲۷، ۳۰۴، ۶۹۳، ج ۲، ص ۱۰۹۹، ۱۵۲۰؛ ابن‌شاکر کتبی (۱۹۷۳م)، *فوات الوفيات و الذیل علیها*، ج ۴، بیروت: دار صادر، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۱؛ طباطبائی، ج ۱، ص ۳۶۲؛ زرکلی (۱۹۸۹م)، *الاعلام*، ج ۸، بیروت: دار العلم للملایین، ج ۸، ص ۱۴۴.

الدین و ایوبیان تا ابتدای عصر ممالیک ادامه داشت، اما در در نیمه دوم فرمانروایی این دولت (۵۸۹ق - ۶۵۸ق) که به دلیل منازعات خاندانی، فتوحات آنان کاهش یافت و از تب و تاب جنگ‌های صلیبی نیز تا حد زیادی کاسته شد، اندیشمندان جامعه که اغلب از خاندان‌های برگزیده و نخبگان عرصه سیاست و دانش بودند، ترجیح دادند به جای نگارش فتح‌نامه و تاریخ‌های سیاسی، مناقب اکابر طبقه خود را بنویسند و آرمان‌ها و ارزش‌هایشان را تحکیم بخشند؛ لذا کار تدوین آثار فرهنگ‌نامه‌ای و تراجم‌نگاری با اقبال فراوانی روبه‌رو شد.^۱ *عیون الأنباء فی طبقات الأقطاب* ابن ابی‌اصیبه درباره شرح حال پزشکان، *أخبار الحکمای ققطی* (د. ۶۴۶ق) در بیان احوال شماری از دانشمندان و فیلسوفان، *خریده القصر و جریده العصر* عمادالدین درباره معرفی شاعران برخی جوامع اسلامی قرون پنجم و ششم هجری، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة ققطی* در ترجمان مشایخ و بزرگان علم نحو و لغت، *وفیات الاعیان و أنباء أنباء الزمان* ابن‌خلکان (د. ۸۱۱ق) در توصیف احوال شمار کثیری از اندیشمندان و دانشمندان علوم مختلف و رجال سیاسی و دینی نمونه‌هایی چند از این موارد است.

۲.۱. رشد تاریخ‌نگاری محلی

یکی از پیامدهای تحولات عمیق سیاسی و نظامی منطقه مصر و شام که به سبب حضور ایوبیان شدت بیشتری یافت، افزایش تاریخ‌های محلی در این دوره است که در دوره ممالیک به اوج خود رسید.^۲ به نظر می‌رسد تأثیری که تاریخ ملی بر تخیل انسان دارد، تاریخ دودمانی و هیچ نوع تاریخ دیگری نمی‌تواند داشته باشد. یک مورخ ملی در واقع، با پرداختن به تاریخ منطقه خود، احساس خوشایندی از هویت جمعی می‌سازد.^۳ در عصر ایوبیان، از یک سو بروز جنگ‌های صلیبی و از سوی دیگر، حمله مغولان به عنوان مهاجمان خارجی که آزادی مردمان شهرهای مسلمان‌نشین مصر و شام را تهدید می‌کردند، موجب غلیان بیش از پیش علقه‌های وطنی و احساسات وطن‌دوستانه برخی از اندیشمندان شد و آنها را بر آن داشت تا تاریخ موطن و سرزمین‌های اجدادی خود و یا دست‌کم شهرهای محل اقامتشان را بنویسند و فضایل و محاسن آنها را ترسیم کنند.

۱ ن.ک: کلود کاهن (۱۳۷۰)، *درآمدی بر تاریخ اسلام قرون وسطی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۲۲۳؛ همو (۱۳۷۹)، ص ۱۴۱ - ۱۹۵.

2 Hilmy. Ahmad (1962), "Some notes on Arabic historiography during of the Zngid and Ayyubid periods", Newyork, Oxford university press, p79- 97.

۳ استنفورد، ص ۹۱، ۱۶۵.

ابن عدیم(د.۶۶۰ق) که برای نجات شهر خود، حلب، راهی دیار مصر شده بود تا از مساعدت حاکمان مملوک در برابر مغولان بهره گیرد، گویی پس از بازگشت به وطن و مشاهده ویرانه‌های شهر،^۱ بر آن شده است تا با تدوین دو اثر مشابه یعنی *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*^۲ و *زبده الحلب من تاریخ حلب*^۳، تاریخ ایام شکوه و جلال موطن خود را برای آیندگان ثبت کند. وی در *بغیة الطلب* پس از آنکه شرح مفصلی درباره جغرافیای حلب و برخی شهرهای شام ارائه می‌دهد،^۴ از جلد دوم به بعد، به ذکر سرگذشت‌نامه بزرگان و مشاهیر حلب نظیر راویان، محدثان، والیان، قضات، شعرا و دیگر نام‌آوران شهر از زمان فتح اسلامی تا عصر خود پرداخته و بخش عمده آن را به شیوه فرهنگنامه‌ای تنظیم کرده است. البته گفتنی است که رویکرد شرح‌حال‌نگارانه ابن‌عدیم در *بغیة الطلب*، از ارزش این کتاب به عنوان اثری در تاریخ محلی نمی‌کاهد، بلکه به عنوان نخستین تاریخ‌نویس درباره حلب به شمار می‌رود که بر مبنای حروف معجم نوشته شده است و در عین حال اهمیت جغرافیایی فراوانی دارد.^۵ مؤلف که حلب را جزء اقلیم چهارم از اقلیم سبعة شمرده است،^۶ با استناد به آثار جغرافی‌نویسان پیشین مانند بطلمیوس و جیهانی، طول و عرض جغرافیایی شهر را مشخص کرده و اطلاعات قابل توجهی درباره آب و هوای منطقه، سنگ‌ها و معادن، کوه‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و به طور کلی موقعیت جغرافیایی و اقلیمی سرزمین حلب و برخی نواحی دیگر شام نظیر انطاکیه،^۷ قسرین^۸ و غیره به دست داده است. مؤلف در کتاب دیگرش *زبده الحلب*، جغرافیای سیاسی حلب را ترسیم کرده است. وی در این کتاب، ضمن تشریح وجه تسمیه و تاریخچه بنای حلب، گزارشی درباره پادشاهان یونانی مسیحی حلب و ایام فرمانروایی قیصره روم تا فتح اسلامی منطقه و دوران تسلط سرداران فاتح بیان کرده است.^۹ سپس تاریخ حکومت امویان و عباسیان بر حلب و دیگر مناطق شام و ایام فرمانروایی دولت‌های اسلامی نظیر

۱ ن.ک: طبایخ، ج ۱، ص ۳۱-۳۵ و ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۲ حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳ ابن‌عدیم(۴۲۵ق)، *زبده الحلب من تاریخ حلب*، ج ۱، دمشق و قاهره: دار الکتب العربی، ج ۲، ص ۳۰-۳۲.

۴ ن.ک: ابن‌عدیم(۴۰۸ق)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ص ۳۹-۲۵۶.

۵ حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۲۹۱.

۶ ن.ک: ابن‌عدیم(۴۰۸ق)، ج ۱، ص ۴۴۳.

۷ ن.ک: همان، ج ۱، ص ۷۹-۸۵.

۸ ن.ک: همان، ج ۱، ص ۶۹-۷۵.

۹ ن.ک: همو(۴۲۵ق)، ج ۱، ص ۳۱-۴۶.

طولونیان، حمدانیان، فاطمیان، سلجوقیان، ارتقیان، اتابکان زنگی، ایوبیان تا حمله مغولان را شرح داده است.

عزالدین بن شداد (د. ۶۸۴ع) *الأعلاق الخطیرة*^۱ را که به تاریخ سیاسی و جغرافیایی شام اختصاص دارد، پس از حمله مغول و مهاجرتش به مصر تدوین کرده است.^۲ وی کتابش را که درباره حلب، حلب، دمشق و جزیره است، با موضوع موطنش حلب آغاز کرده و ضمن تجلیل از مجاهدان راه دین، با عبارت «أَفْذَهَا اللهُ مِنْهُمْ» انزجارش از یورش مغولان را نشان داده است.^۳ ابن شداد با استناد به سخن بزرگان درباره فضیلت وطن دوستی، حب وطن را سبب ابتدا نمودن کتابش به حلب بیان کرده است.^۴ *الأعلاق الخطیرة* دو دوره تاریخی؛ یعنی از زمان فتح اسلامی شام (۱۷ق) تا سقوط بنی حمدان در سال ۳۸۲ق. و از زمان امارت عمادالدین زنگی تا استیلای مغولان بر شام در سال ۶۵۸ق. را در بر می گیرد.

پیدایش قلعه الجبل در عصر ایوبیان، به عنوان مرکز سیاسی جدید مصر که موجب تغییر چهره قاهره و اهمیت یافتن شهرهایی نظیر فسطاط، اسکندریه، قیوم و غیره شد،^۵ در روی آوردن مورخان به نگارش تاریخهای محلی بی تأثیر نبود. *تاریخ النبیوم* و *بلاده* اثر فخرالدین نابلسی (د. ۶۶۰ع)^۶ درباره تاریخ و جغرافیای اقلیمی، نمونه‌ای از این موارد است که به صورت مستقل درباره قیوم و توابع آن تدوین شده است. بیان موقعیت جغرافیایی قیوم در سرزمین مصر و مسافت‌های میان این شهر با بلاد پیرامون آن، تعداد کوی‌ها و محله‌ها، نوع خاک و پوشش گیاهی منطقه، اهرام، خصایل بارز و خصوصیات اخلاقی مردم قیوم و انواع مزاج‌های آنها، آب و هوای قیوم و نظام آبیاری این شهر و انشعاب‌های مختلف رود نیل در منطقه، معرفی دسته‌های حضری و بدوی ساکن در قیوم و برخی قبایل عرب و طوایف مختلف منطقه و برخی بحران‌های اقتصادی در برهه‌هایی از زمان، نواحی، روستاها، مساجد، دیرها و کنیسه‌های قیوم و توابع آن، عواید و

۱ ابن شداد، عزالدین (۱۹۹۱م)، *الأعلاق الخطیرة فی ذکر أمراء الشام و الجزيرة*، ج ۳، دمشق: إحياء تراث العربی، ص ۴.

۲ کاهن (۱۳۷۰)، ص ۲۳۹.

۳ ابن شداد، همان، ج ۱، ص ۳.

۴ همان، ج ۱، ص ۱۰-۱۲.

۵ برای آگاهی بیشتر ن. ک: گاستون ویت (۱۳۶۵)، *قاهره شهر هنر و تجارت*، ترجمه محمود محمودی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۵۰-۵۴.

۶ ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی (۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۲۷۴.

درآمدهای قیوم، محصولات و کالاهای تولیدی و وارداتی و برخی قیمت‌های رایج در خرید و فروش اجناس و اغذیه، از جمله مواردی است که در تاریخ فیوم بدان‌ها پرداخته شده است.^۱ در واقع، *العلاق الخطیره* علاوه بر اینکه اطلاعاتی درباره موقعیت جغرافیایی فیوم و توابع آن به دست می‌دهد، برخی ویژگی‌های طبیعی، انسانی، اقتصادی، اداری و دیوانی فیوم را نیز ترسیم می‌کند.

تردیدی نیست که اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی تا آنجا خود را به داستان تاریخ تحمیل می‌کند که به عنوان عوامل علی و معلولی، واجد اهمیت باشد و بی‌شک پرداختن به آن در تاریخ‌نگاری، دیدگاهی گسترده می‌طلبد.^۲ در دوره ایوبیان که اغلب مورخان، به نگارش تاریخ‌های دودمانی و تک‌نگاری و موضوعاتی نظیر جنگ‌ها و اقدامات سیاسی حاکمان ایوبی اهتمام داشتند، کمتر به ثبت و ضبط گزارش‌های اجتماعی و پدیده‌های فرهنگی جامعه نظیر علم و آموزش، باورهای اعتقادی مردمان، آداب و رسوم فرهنگی جامعه و یا حتی پدیده‌های مالی و تجاری از قبیل قیمت اجناس و تغییرات آن، عنایت نشان می‌دادند. بنابراین نتوانستند در گسترش تاریخ اجتماعی رسالت ماندگاری بر دوش بگیرند، اما از طرفی رشد تاریخ‌نویسندگان محلی در این دوره، می‌توانست فرصت مغتنمی برای پرداختن به چنین مقوله‌هایی را پیش روی مورخان قرار دهد. با اطمینان می‌توان گفت که نابلسی با پرداختن به طبقات اجتماعی جامعه فیوم و تیره‌ها و قبایل مقیم آن، گامی مهم در زمینه تاریخ اجتماعی برداشته است. *العلاق الخطیره* این شداد که حاوی گزارش‌هایی درباره مدارس، مساجد، قلعه‌ها، راه‌های مواصلاتی شهرها، صومعه‌ها، کاروانسراها، بیمارستان‌ها، خیابان‌ها و محلات شهرهای مختلف مصر و شام است، تا حد زیادی می‌تواند نشان‌دهنده وضع عمران و آبادانی شهرهای این مناطق در دوره‌های مختلف اسلامی باشد. *بغیة الطلب* اطلاعات جالبی درباره برخی عادات اجتماعی مردم حلب، نظیر اعتقاد به انواع جادوها و طلسم‌ها و برخی خرافه‌ها به دست می‌دهد که حتی در اثر دیگر او *زبدة الحلب* نیز کمتر به چشم می‌خورد.^۴

۱ برای نمونه ن. ک: صدقی نابلسی (۱۸۹۸م)، *تاریخ الفیوم و بلاده*، قاهره: المطبعة الأهلیه، ص ۷-۵، ۱۱-۱۲، ۱۵-۱۹، ۲۳-۲۶، ...

۲ استنفورد، ص ۱۶۷.

۳ برای نمونه ن. ک: ابن‌شداد (۱۹۹۱م)، ج ۳، ص ۴۰، ۶۷-۶۸، ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۰-۱۱۹.

۴ ابن‌عدیم (۱۴۰۸ق)، ج ۱، ص ۸۳-۸۹.

از این منظر کتاب *الافادة* و *الاعتبار* نوشته عبداللطیف بغدادی (د. ۶۲۹ق) از معدود آثاری است که به زوایای پنهان زندگی اجتماعی مردم پرداخته است. برخی عقاید مصریان قدیم به روزگار شرک و بت پرستی، شماری از باورهای خرافی رایج در میان مصریان همعصر عبداللطیف، چگونگی اغذیه، اطعمه و اشربه مورد توجه مصریان، انواع بیماری‌ها و امراض شایع در میان آنها و راه‌های معمول درمان و مداوای آنها، نوع و جنس پوشاک، انواع زراعت و کشت و زرع معمول در شهرهای مختلف مصر، از جمله مواردی است که می‌توان به روشنی آنها را در *الافادة* مشاهده کرد. وی در فصلی از کتابش تأثیر احکام نجومی و فلکی را در اندیشه و تفکر مردم مصر نشان داده و نقش آن را در امور روزانه زندگی آنها بررسی کرده است.^۱ وی با رویکردی نو و ابتکاری، انواع اغذیه و اقسام خوردنی‌های رایج در مصر را توصیف و طرز تهیه و طبخ برخی از این غذاها را بیان کرده است.^۲ مؤلف با تکیه بر دانش جانورشناسی خود، اطلاعات ارزشمندی درباره زیستگاه‌های جانوری و شکارگاه‌ها به دست داده است. وی حتی از بیان قیمت و بهای چهارپایان در معاملات رایج آن زمان، چشم‌پوشی نکرده و چگونگی خرید و فروش آنها را به عنوان مرکب‌های مورد استفاده مصریان بیان کرده است.^۳

أخبار مصر ابن میسر (د. ۶۷۷ق)، *الإشارات الی معرفة الزیارات* علی بن ابی بکر هروی (د. ۱۱۰ق)، *مرشد الزوار الی قبور الابرار* موفق الدین بن عثمان شاری (د. ۱۵۰ق) و مکتوبات مفقود شده شریف جوانی، المؤتمن ابوالمکارم، ابن بسام تنیسی، محمد بن عبدالعزیز الإدریسی، فخرالدین نابلسی و أبوالمظفر اسکندرانی از دیگر منابع تاریخی این دوره است که سیر تاریخ‌نگاری اسلامی را به سوی تاریخ‌های محلی سوق داده است.^۴

۳.۱. افول تاریخ‌نگاری عمومی و جهانی

تمرکز بر نگارش تاریخ شهرها و مشاهیر آنها که بی‌شک گستره مکانی کمتری را نسبت به تواریخ

۱ عبداللطیف (۱۴۰۳ق)، *الإفادة و الإعتبار فی الأمور المشاهدة و الحوادث و المعاینة بأرض مصر*، دمشق: دار قتیبه، ص ۷۷-۸۴.

۲ همان، ص ۷۳-۷۵.

۳ برای نمونه ن. ک: همان، ص ۲۳، ۱۰، ۲۵، ۳۳، ۲۶، ۳۴، ۴۲، ۴۶.

۴ در این باره ن. ک: مرتضی نوری و مهناز شعربافی‌زاده (۱۳۹۰)، *تاریخ‌نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۴۶.

عمومی و جهان^۱ در اختیار مخاطب قرار می‌دهد،^۲ گستره تاریخ‌نگاری را که بیشتر مرزهای اسلامی و گاه فراتر از آن را در می‌نوردید، به محدوده جغرافیای مصر و شام و برخی بلاد خاص نظیر جزیره، بغداد، مغرب و اندلس محدود کرد. برخی مؤلفان مانند ققطی، عمادالدین، عزالدین بن شداد و دیگران که کوشیده‌اند جغرافیای وسیع‌تری را در نظر آورند، از محدوده قلمرو اسلامی خارج نشده‌اند. بنابراین اندک بارقه‌هایی که در جهان‌نگری برخی مورخان سده‌های سوم و چهارم هجری، نظیر یعقوبی، طبری، مسعودی، ابوعلی مسکویه و مقدسی مشاهده می‌شود، در این دوره اثری نیست؛ برای مثال به نظر می‌رسد سبطین جوزی (د. ۵۴۴ق) که بر آن بوده در *مرآة الزمان فی تاریخ الأعیان*،^۳ تاریخ عمومی جهان را از ابتدای آفرینش تا ایام معاصر خود تدوین کند، به سبب آنکه بیشتر بر شرح احوال علمای مسلمان تمرکز کرده، اثری ارزنده در تراجم‌نگاری اسلامی^۴ پدید آورده است تا اینکه کتابی در خور تاریخ‌های عمومی و جهانی نگاشته باشد. ابن ابی‌الدم (د. ۴۲۲ق) *التاریخ المظفری* یا *مختصر فی التاریخ الاسلامی*^۵ را همانگونه که از نامش پیداست، درباره تاریخ عمومی اسلام پدید آورده و به تاریخ سایر ملل عنایتی نداشته است. در این کتاب، مؤلف پس از آنکه گزارش مفصلی درباره نسب و خاندان پیامبر (ص) و دوران کودکی، جوانی و بعثت تا وفات ایشان به دست می‌دهد،^۶ فهرستی از نام‌ها، القاب و کنیه‌های حضرت، زنان و فرزندان و وابستگان ایشان، ابزار جنگی، البسه پیامبر و شمایل ظاهری و اخلاقی ایشان آورده است.^۷ سپس تاریخ سیاسی

1 General history.

۲ ن. ک: روزنتال، ص ۶۷-۶۹؛ شاکر مصطفی (۱۹۸۳م)، *التاریخ العربی و المؤرخون*، ج ۱، بیروت: دار العلم للملایین، چ ۲، ص ۵۶.

۳ ابن خلکان این اثر را در ۴۰ جلد و یونینی در ۳۷ مجلد ذکر کرده اند. ن. ک: ابن خلکان، ج ۳، ص ۱۴۲؛ یونینی (بی‌تا)، *ذیل مرآة الزمان*، ج ۱، ابوظبی: هیئة أبوظبي للثقافة و التراث المجمع الثقافي، ص ۴۱.

۴ سرگذشت‌نامه‌نویسی که از آن با تعابیری چون سیره‌نگاری، زیست‌نگاری، شرح‌حال‌نگاری، زندگی‌نامه‌نویسی، تراجم‌نگاری، تاریخ‌السییر و غیره یاد شده است، قدیم‌ترین و مستمربترین شکل بیان تاریخی بوده که در قالب‌های فرعی و مختلفی مورد استفاده مورخان مسلمان قرار گرفته است. در این باره ن. ک: روزنتال، ص ۱۲۰-۱۲۶؛ رابینسون، ص ۱۲۵-۱۳۴؛ همیلتون گیب (۱۳۶۱)، *ادبیات شرح‌حال‌نویسی در اسلام*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ص ۲۱۷-۲۲۴.

۵ درباره اختلاف نظرهایی که درباره نام و ماهیت این کتاب وجود دارد ن. ک: حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۷۲۲؛ کلمان هوار (۱۳۶۱)، «ادبیات جغرافی‌نگاری و تاریخ‌نگاری در اسلام»، مجموعه مقالات: *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چ ۱، ص ۸۲ و نیز

Rosenthal. F(1986), "Ibn Abi al-Dam", *The Encyclopaedia of Islam*, III, Leiden- London: Brill, p683

۶ همان، ج ۱، ص ۶۸-۹۶.

۷ همان، ج ۱، ص ۹۶-۱۱۶.

اسلام از زمان نخستین خلفا تا عصر مستنصر بالله عباسی (حک: ۶۳۳-۶۴۰ق) و آستانه جلوس ملک مظفر دوم ایوبی در سال ۶۲۷ق. را به شیوه سالشمار عرضه می‌کند.

اخبار الدول المنقطعه اثری سالشمارانه از علی بن ظافر ازدی (د. ۱۳ق)^۱ درباره تاریخ عمومی اسلام است که در اجزای مختلفی فراهم آمده و تاریخ طیف وسیعی از دولت‌های اسلامی را مورد مطالعه قرار داده است.^۲ از این کتاب، تنها جزء دوم آن موجود است که به تاریخ عباسیان، از ابتدای تأسیس (۱۳۲ق) تا وفات خلیفه مستنصر، به سال ۵۷۵ق. و آغاز خلافت ناصر اختصاص دارد. ابن ظافر این بخش از کتاب را با ارائه مباحث مقدماتی درباره شرح احوال عباس عموی پیامبر^(ص) و معرفی عبدالله بن عباس و جایگاه دینی و سیاسی وی و نوادگانش آغاز کرده و پس از آنکه شجره‌نامه‌ای از خاندان عباسی ارائه داده، مختصری درباره احوال هاشمیان و اواخر دوره بنی‌امیه و چگونگی مراحل گسترش و نفوذ دعوت عباسیان و فروپاشی دولت بنی‌مروان بیان کرده است.^۳ *معادن الذهب فی تاریخ الملوک و الخلفا و ذوی الرتب*^۴ یا «التاریخ الکبیر» اثر ابن‌ابی‌طی^۵ و *التاریخ الصالحی یا التاریخ الکبیر* ابن‌واصل^۶ از جمله تاریخ‌های عمومی این دوره است که گستره مکانی آنها از محدوده بلاد اسلامی فراتر نمی‌رود.

۴.۱. تداوم روند تاریخ‌نگاری توصیفی

گسترش تنظیم سالشمارانه آثار تاریخی که حاصل رواج تاریخ‌نویس‌های سیاسی در عصر ایوبی است، نه تنها فضای کافی برای گنجاندن داده‌های فرهنگی و اداری نداشت، بلکه فرصت چندانی برای تجزیه و تحلیل‌های فلسفی باقی نمی‌گذارد. پرواضح است که غلبه این شکل از تاریخ‌نگاری، کمک چندانی به فهم فرآیندهای اجتماعی و یا حتی درک چرایی بسیاری از رخداد‌های سیاسی نمی‌کرد.^۷ رواج شرح‌حال‌نگاری و تک‌نگاری نیز بر قوت این امر می‌افزود؛ زیرا بیشتر مورخان،

۱ ابن‌شاکر، ج ۳، ص ۲۷.

۲ ناجی، ص ۶۵.

۳ ابن‌ظافر (۱۹۹۹م)، *اخبار الدول المنقطعه*، اردن: مؤسسه حماده و دار الکندی للنشر، ص ۲۶۸-۲۸۱.

4 Hilmy, p90-91

۵ در این باره ن.ک: ابن‌خلکان، ج ۱، ص ۲۵۹؛ لوی ابراهیم بوعنه (۲۰۰۹م)، «یحیی بن اُبی‌طیء مؤرخاً»، عمان- اردن: *المجلة الأردنية للتاریخ و الآثار*، ش ۲، ص ۳۹-۶۴.

۶ در این باره ن.ک: جمال‌الدین محمد بن‌واصل، *مفرج الکروب فی أخبار بنی ایوب*، تحقیق جمال‌الدین شیال، ج ۱، قاهره: مکتبه جامعه الاسکندریه، ص ۲۰۴، ۲۳۶، ۵۶۷.

۷ ن.ک: ه. قرشی (۱۳۶۷)، «تاریخ‌نگاری»، ترجمه حسن انوشه، مجموعه مقالات: *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهران: مرکز ←

فقط بخش توصیف حوادث نظامی و وقایع سیاسی سرگذشت‌نامه‌ها را پررنگ کرده‌اند و به تحلیل و بررسی زمینه‌ها و آثار آن عنایتی نداشته‌اند.^۱ در واقع، فتح‌نامه‌های سیاسی و نظامی عصر ایوبی، پاسخگوی مناسب‌تری برای ابعاد حماسه‌جویانه، اخلاق‌مدارانه و اغراق‌آمیز تاریخ بود. مورخان ایوبی که اغلب از رجال سیاسی و دینی جامعه و از اجزای اصلی پیکره تشکیلات اداری و سیاسی دولت ایوبی بودند، علاقه بیشتری به ثبت تاریخ معاصر نشان داده‌اند؛ لذا بدیهی است که نتوانند و یا نخواهند، تشریح تعلیل‌گرایانه و واقعی‌تری از مسائل سیاسی روز عرضه کنند. از این رو با تکیه بر تاریخ‌های توصیفی نتوانستند تحولی درخور در جریان تاریخ‌نگاری تحلیلی ایجاد کنند.

برخی که تاریخ را آینه عبرتی برای آیندگان تلقی می‌کردند و بر آن می‌شدند تا پاسخ مشکلات جامعه عصر خود را در پرتو بررسی گذشته جست‌وجو کنند، از تحلیل تاریخ معاصر خود احتراز کرده‌اند. عمادالدین که گویی درصدد انتقال تجربیات سلجوقیان به دولتمردان ایوبی است، *نصرة الفتره* را که به تاریخ عصر سلاجقه اختصاص دارد، با بینشی انتقادی نگاشته است. رویکردی که نه فقط در سایر کتاب‌های تاریخی این دوره، بلکه در میان تألیفات دیگر خود عمادالدین نظیر *الفتح القدسی و البرق الشامی* هم به چشم نمی‌خورد. مؤلف در این اثر بارها عناوین اصلی مباحث خود را ذکر سبب فلان واقعه قرار داده و به گونه‌ای مستقل به ارزیابی علت رخداد یک حادثه می‌پردازد. ذکر سبب اختلال مملکت،^۲ ذکر سبب شکست سنجر در جنگ قراخانیان^۳ و ذکر سبب انتصاب ابن‌دارست به وزارت خلیفه،^۴ نمونه‌هایی از این عناوین است. در خلال مباحث نیز به مناسبت‌های گوناگون، تحلیل‌هایی هرچند کوتاه، ولی مستمر عرضه داشته است که از تکامل بینش تاریخی مؤلف و فراتر رفتن وی از محدوده توصیف حکایت می‌کند.^۵ وی در *خریفة القصر* که درباره سیره طبقه ادیبان و شعراست، تا حدی نگاه تحلیل‌گرایانه و انتقادی خویش را حفظ کرده و درصدد برآمده است تا چونان نقادی متخصص، مقایسه‌ای میان سروده‌های

→

۱. نشر دانشگاهی، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲. جرمی بلک، و دونالد م. مکرایلد (۱۳۹۰)، *مطالعه تاریخ*، ترجمه محمدتقی ایمان‌پور، مشهد: دانشگاه فردوسی، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۳۱.

۳. نک: بنداری (۱۴۲۵ق)، ص ۳۶۴.

۴. همان، ص ۳۶۵.

۵. همان، ص ۱۹۶.

۵. ن.ک: اسماعیل حسن‌زاده (۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی»، *فصلنامه علوم انسانی*

دانشگاه الزهراء، ۱۷، ش ۶۵، ص ۲۱-۵۵.

شاعران مناطق مختلف نظیر شام و عراق انجام دهد و با مطالعه فنی اوزان و صنایع ادبی و نیز بررسی معنا و محتوای اشعار آنها، به تحلیل سروده‌های ادبی شاعران این دو منطقه بپردازد.^۱ بنابراین رویکرد تحلیل گرایانه عمادالدین در *نصرة الفترة* و *تداوم نامحسوس* آن در *خریفة القصر*، نشان می‌دهد که مورخ بر اهمیت تحلیل و تعلیل پدیده‌های تاریخی واقف بوده است، اما تمایل چندانی به ادامه این روند در آثار بعدی خود، نظیر *الفتح التسی و البرق الشامی* نداشته و رویکرد توصیفی، حماسی و تأییدگرایانه درباره ابویان را ترجیح داده است.

سببین جوزی که در *مرآة الزمان*، با به کار بردن عبارت «ذکر سبب فلان واقعه»، علاقه‌مندی خود به تعلیل رخدادهای گذشته، نظیر سبب اسلام آوردن هلال‌بن محسن صابی،^۲ سبب اختلاف ابراهیم ینال و ارسلان بساسیری، علت منازعات بساسیری و قُتلمش^۳ و نظایر آن را نشان داده، اخبار معاصرش را توصیفی و به دور از تحلیل قابل‌توجهی تدوین کرده است. ابن‌واصل در *مفرج الکروب* گاهی به اختصار به تجزیه و تحلیل برخی وقایع مانند دلایل صلح اسدالدین شیرکوه با فرنگان^۴ و نقش اقدامات کشیشان مسیحی در مقاومت گسترده صلیبان به هنگام فتح قلعه نارین^۵ اهتمام ورزیده، ولی در مجموع او نیز رویکرد توصیفی داشته و تمایل چندانی به بررسی رخدادها و بررسی اسباب و علل پیدایش آنها نشان نداده است.

آثار بهاء‌الدین بن شداد، ابوشامه، ابن‌عدیم، اسامه و دیگران نیز روند توصیفی تاریخ‌نگاری را قوت بخشیده است. با اطمینان می‌توان گفت تاریخ‌نگاری این دوره، بیش از آنکه پشتوانه‌هایی عقلی و فلسفی را جست‌وجو کند، در حد اهتمام مورخان، به گزینش اعتبار و صحت و سقم گزارش‌هایشان محدود شده و در بهترین حالت رویدادنگاری‌هایی جذاب و البته مستند پدید آورده‌اند. بنابراین در این دوره نیز مانند بیشتر دوره‌های اسلامی، نه تنها نمونه کاملی از تاریخ‌نگاری تحلیلی و عقل‌گرایانه به چشم نمی‌خورد، بلکه کمتر به یک اثر تاریخی با نگرش انتقادی برمی‌خوریم و همانگونه که کاهن اذعان داشته، تاریخ‌نگاری مصر و شام تا قبل از دوره ممالیک، حتی

۱ محمد عمادالدین کاتب اصفهانی (۱۹۸۶)، مقدمه تحقیق *خریفة القصر و جریفة العصر*، تحقیق محمد بهجة الأثری و دیگران، ج ۱۰، تونس، [بی‌نا]، ص ۲۸.

۲ برای نمونه ن. ک: فهمی سعد (۱۴۲۲ق)، مقدمه تحقیق *مرآة الزمان*، ج ۱۲، ص ۴۳.

۳ همان، ج ۱۲، ص ۱۱۲.

۴ ن. ک: جمال‌الدین محمدبن‌واصل (۱۹۵۳م)، *مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب*، ج ۱، قاهره: مکتبة جامعة الاسکندریه، ص ۱۸۸.

۵ همان، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.

نسبت به تاریخ‌نگاری عراق، از ماهیت تحلیل‌گرایانه کمتری برخوردار بوده است.^۱

۲. دگرگونی در محتوا و درون‌مایه آثار تاریخی

۱.۲. مقوله جنگ و غلبه مضامین نظامی بر تاریخ‌نویسندگان عصر ایوبی

فتوحات و لشکرکشی‌های داخلی و مبارزه با صلیبیان، مهم‌ترین دغدغه و مسئله دولت صلاح‌الدین بود. عمده جانشینان وی یا درگیر نزاع‌های داخلی بودند و یا به دفاع در برابر تهاجمات صلیبی اشتغال داشتند. بدیهی است که در چنین فضایی، مقوله جنگ و جهاد در نظر اندیشمندان جامعه اهمیت مضاعف می‌یابد. گویی با شدت یافتن جنگ‌های صلیبی و فتح دوباره بیت‌المقدس، خاطره سال‌های فتوح و پیشروی‌های مسلمین در قرون نخستین اسلامی احیا شده و تلاش عالمان دینی و رجال سیاسی نیز برای تشویق و تهییج مسلمانان به جهاد، شدت بیشتری یافته است.

عمادالدین با استناد به آیات قرآن، از جنود خداوند در آسمان و زمین سخن گفته و بر ضرورت و اهمیت جهاد در برابر صلیبیان تأکید کرده است.^۲ وی با اشاره به زلزله شام، آن را در عین حال که موعظه و آیه‌ای از جانب خداوند می‌داند، عذاب الهی تلقی کرده که به واسطه حضور کفار در دیار مسلمانان نازل شده است.^۳ اسامه‌بن منقذ (د. ۵۸۴ق) با اشاره به وضع مسلمانان مناطق تحت سلطه مسیحیان، پیش از فتح صلاح‌الدین و یادآوری شرایط دشوار حاکم بر آنان، درصدد است تا مسلمانان را به ادامه نبرد و مقاومت در برابر صلیبیان تشویق کند. اینکه مسلمانان ساکن عکا، چگونه می‌کوشیدند تا اسیران هم‌کیش خود را پنهان کرده و زمینه انتقال مخفیانه آنها را به سایر مناطق اسلامی فراهم آورند^۴ و یا به سبب سال‌ها اشغال قدس از سوی مسیحیان، شمار زیادی از ساکنان مسلمان این منطقه دین خود را به سختی حفظ می‌کردند و برخی نیز برای حفظ جان خود، ناچار به خروج از دین می‌شدند، با همین انگیزه بیان شده است.^۵ استقامت در راه خدا عنصر مهمی است که اسامه توجه مخاطبش را بدان جلب می‌کند و برای این منظور مثال‌های

۱ کاهن (۱۳۷۰)، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲ عمادالدین اصفهانی (۱۴۲۵ق)، ص ۴۴.

۳ ن. ک. بنداری (۱۹۷۹م)، ص ۴۸-۴۹.

۴ ن. ک. اسامه‌بن منقذ (۱۸۸۴م)، کتاب الاعتبار، لیدن: بریل، ج ۱، ص ۸۲-۸۳.

۵ همان.

متعددی نیز ذکر کرده است.^۱ ابوشامه نیز با اشاره به دردآور بودن تهاجمات فرنگان و صلیبیان به مرزهای قلمرو اسلامی و ضبط رخدادهای مربوط به دوره صلاح‌الدین و سال‌های پس از آن، در جهت تقویت روحیه جهاد گام برداشته است.^۲ کتاب *الروضتین* حاوی اطلاعات قابل‌توجهی درباره جنگ‌های صلیبی است که در مقایسه با برخی تاریخ‌نویسته‌های این دوره، با تفصیل و جزئیات بیشتری بیان شده است و منبع مهمی در تاریخ جنگ‌های صلیبی به شمار می‌رود.^۳ ذیلی که ابوشامه بر این کتاب نگاشته، مملو از اخبار جنگ‌های صلیبی است. گزارش حمله فرنگان به قلعه «جبله» و مقابله سپاهیان ایوبی در برابر آنها، مدخل مباحث است^۴ که با شرح مبسوط جنگ‌ها، فتوحات و لشکرکشی‌های جانشینان صلاح‌الدین، تا پایان کتاب ادامه می‌یابد.

لازم به ذکر است که مقوله جنگ‌های صلیبی در نوشته‌های تاریخی پیشین نیز مشاهده شده است، اما هیچ‌یک از آنها با داستان‌های واقعی و جذاب ابن‌شداد، عمادالدین و اسامقبن منقذ که خود در بیشتر این صحنه‌ها حضور داشته‌اند، قابل مقایسه نیست. *دبیاچه النوادر السلطانیة* و *ابراز احساسات مسلمانی او در برابر مهاجمان صلیبی*، تأثیر فضای جهاد و مبارزه بر حیات فکری عصر مؤلف را به خوبی عیان می‌سازد.^۵ وی که سپاه مسلمانان را «عساکر موحدون» خوانده،^۶ با بیان عباراتی مهیج نظیر «یا للإسلام»،^۷ «فألقي الله الرعب في قلوب الكافرين»،^۸ «كان حقاً علينا نصر المؤمنين»^۹ و غیره، مخاطب را به جهاد در برابر دشمنان اسلام تهییج کرده و بارها به لعن پادشاهان صلیبی و لشکر فرنگان پرداخته است.^{۱۰} در مقابل برای جنگجویان مسلمان، طلب خیر داشته و همواره دست یاری خداوند را برایشان آرزو می‌کرده است.^{۱۱} تردیدی نیست که رویکرد

۱ چیس اف رابینسون (۱۳۹۲)، *تاریخ نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران: سمت، ج ۱، ص ۲۱۴؛ درباره او ن.ک: براءة محمود سقرات (۲۰۱۱)، «کتاب الإعتبار لأسامة بن منقذ دراسة تحليلية»، رسالة لمتطلبات الحصول

على درجة الماجستير، جامعة مؤتة.

۲ ابوشامه (۱۴۲۲ق)، *تراجم رجال القرنين السادس والسابع*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۳-۴.

۳ عمر فروخ (۱۹۸۴م)، *تاریخ الادب العربی*، ج ۱، بیروت: دار العلم للملایین، ص ۲۲۴.

۴ ابوشامه، همان‌جا.

۵ ن.ک: ابن‌شداد (۱۴۱۵ق)، *النوادر السلطانیة والمحاسن الیوسفیة*، قاهره: مکتبة الخانجی، ص ۲۵-۲۷.

۶ همان، ص ۱۷۱.

۷ همان، ص ۱۶۸، ۱۷۱.

۸ همان، ص ۱۲۸.

۹ همان، همان‌جا.

۱۰ همان، ص ۲۳۳، ۲۰۵، ۳۱۳، ۳۱۶.

۱۱ همان، ص ۹۰، ۱۲۸، ۳۱۷.

مجاهدت‌طلبانه ابن‌شداد، بُعد نظامی اثر تاریخی‌اش را برجسته‌تر کرده است؛ به‌ویژه آنکه وی به ذکر اسامی برخی ادوات جنگی و طرز کار آنها نیز اهتمام داشته و چونان روایتگری مجاهد، به توصیف آنها پرداخته است.^۱ معرفی و توصیف سلاح سنگین مورد استفاده سپاه صلاح‌الدین که شبیه تانک‌های امروزی بود و در فتح قلعه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت^۲ و یا وصف علم مرتفع و سپیدرنگ سپاه صلیبی که بر روی یک چرخ توسط قاطران حمل می‌شد، نمونه‌ای از این موارد است.^۳ ذکر برخی تعابیر نظامی و شیوه‌های معمول جنگ، مانند برگزاری شوراهای ده‌نفره در سپاه صلیبی،^۴ بیان احکام مربوط به مجازات جنایتکاران در سپاه صلیبیان آلمانی‌تبار،^۵ گزارش وضع هوا و بارندگی در روزهای نبرد و تأثیر جهت وزش باد در نتیجه جنگ^۶ از جمله درون‌مایه‌های نظامی *النوادر* است که در مطالعات تاریخ نظامی این دوره اهمیتی ویژه دارد.^۷

اسامه‌بن منقذ که بخش اعظمی از سال‌های حیاتش را در عرصه جهاد با رومیان و صلیبیان سپری کرده،^۸ سرگذشت‌نامه‌اش موسوم به *کتاب الاعتبار*، آکنده از رخدادهای نظامی است. به‌ویژه بخش نخست آن که در حقیقت اصلی‌ترین قسمت تاریخی کتاب نیز محسوب می‌شود.^۹ اسامه وضع مسلمانان مناطق تحت سلطه مسیحیان پیش از فتح صلاح‌الدین را به تصویر کشیده و دشواری شرایط حاکم بر آنان را یادآور شده است. اینکه مسلمانان ساکن عکا، چگونه می‌کوشیدند تا اسیران هم‌کیش خود را پنهان کنند و زمینه انتقال مخفیانه آنها را به سایر مناطق اسلامی فراهم آورند و نیز به سبب اشغال قدس توسط مسیحیان طی چندین سال، شمار زیادی از ساکنان مسلمان این منطقه دین خود را به سختی حفظ می‌کردند و برخی نیز برای حفظ جانشان، ناچار به خروج از دین و گرویدن به مسیحیت می‌شدند.^{۱۰} کاملاً مشخص است که اسامه به عنوان یک تاریخ‌نگار مجاهد، درصدد بود تا هم تبعات شکست در برابر صلیبیان را خاطر نشان

۱ برای مشاهده فهرستی از این ادوات ن.ک: همان، ص ۱۷-۱۸.

۲ همان، ص ۱۴۰.

۳ همان، ص ۲۲۵.

۴ همان، ص ۴۱.

۵ همان، ص ۱۹۴.

۶ همان، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۷ رابینسون، ص ۲۶۴-۲۶۵.

۸ ابن‌خلکان، ج ۱، ص ۱۹۵.

۹ ن.ک: اسامه‌بن منقذ، همان، ص ۳-۱۲۴.

۱۰ ن.ک: همان، ص ۸۲-۸۳.

کند و هم با دادن اطمینان خاطر و قوت قلب، مسلمانان را به ادامه نبرد و مقاومت در برابر صلیبیان تهییج و تشویق کند.

در این میان، فتح قدس بیش از همه در اندیشه مورخان ایوبی اهمیت داشت. ابوشامه ضمن اینکه در فضایل سرزمین قدس سخن گفته، با ذکر مدیحه‌ای از عمادالدین، اهمیت فتح بیت المقدس را در نظر مسلمانان ترسیم کرده است.^۱ ابن‌واصل نیز ارض قدس را سرزمین محشر خوانده و جایگاه رفیع آن را در تفکر مسلمانان یادآور شده است.^۲ ابن‌شداد (د. ۸۴۰ق) واقعه حطین و فتح قدس را رخدادهایی مبارک برای مسلمانان توصیف کرده و جزئیات آن را با دقت گزارش کرده است.^۳ عمادالدین، الفتح القدسی را به طور مستقل در این باره نگاشته و با استناد به آیاتی از قرآن کریم، بر فضایل و مناقب بیت المقدس تأکید کرده^۴ و با ارائه توصیفاتى درباره اماکن متبرکه این سرزمین نظیر مسجدالاقصی، قبةالصخره، محراب داود^(ع)^۵ و غیره، جایگاه دینی و تاریخی آن را یادآور شده است. عمادالدین ضمن اینکه به شباهت‌ها و تفاوت‌های نخستین فتح اسلامی بیت المقدس (۱۵ق) و گشایش مجدد آن توسط صلاح‌الدین (۵۸۳ق) اشاره کرده، بر اهمیت فتح آن تأکید کرده است و نگاشتن درباره چنین واقعه مهم و عظیمی را واجب و ذکر فضایل و شرح احوال فاتحش (صلاح‌الدین) را بر خود لازم شمرده است.^۶ وی بخش‌هایی از البرق الشامی را هم به به بازپس‌گیری بیت المقدس اختصاص داده است.^۷

جالب است که تاریخ‌نویسندگان محلی این دوره نیز از استیلای وجوه نظامی بی‌بهره نمانده‌اند. زبدة‌الطلب آکنده از گزارش درگیری میان حکومت‌های منطقه است. ابن‌عدیم جلد دوم کتاب را به طور کامل به ایام فرمانروایی اتابکان زنگی و ایوبیان اختصاص داده و رخدادهای سیاسی و نظامی این دوره به ویژه نبرد با صلیبیان نظیر حطین، فتح بیت المقدس و عکا را به تفصیل شرح داده است.^۸ مباحث مربوط به جنگ‌های صلیبی این کتاب، استخراج و به زبان‌های اروپایی ترجمه

۱ ابوشامه (۱۴۲۲ق)، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲ ابن‌واصل، ص ۲۳۳.

۳ ابن‌شداد (۱۹۹۱م)، ص ۱۲۶-۱۳۴.

۴ همان، ص ۶۹-۷۳.

۵ همان، ص ۷۹-۸۲.

۶ عمادالدین (۱۴۲۵ق)، ص ۳۷-۳۹.

۷ برای نمونه ن. ک: بنداری، ص ۲۴۳، ۲۸۹، ۳۰۴-۳۰۶، ۳۰۹-۳۱۱.

۸ ابن‌عدیم (۱۴۲۵ق)، ص ۵۷۵-۵۷۹، ۶۰۱-۶۲۰.

شده است.^۱ *الاعلاق الخطیره* نیز تجلی تأثیر نیرومند تاریخ جنگ‌های صلیبی بر حیات فکری مصر و شام است. اثری در زمینه تاریخ اقلیمی که با رنگ سیاسی و نظامی نگاهشده شده است. تمرکز این اثر بر شرح احوال امیران و فرمانروایان درگیر جنگ‌های صلیبی بوده و اخبار عمده‌ای درباره این وقایع به دست می‌دهد. ابن‌شداد در جزء دوم کتاب که به اجناد^۲ ثلاثه دمشق، اردن و فلسطین اختصاص دارد، پس از آنکه موقعیت جغرافیایی هر یک را به دقت ترسیم کرده، گزارش مفصلی درباره وضعیت قلعه‌های مشهور این مناطق و درگیری ایوبیان و صلیبیان در شهرهای ساحلی صور، عکا، حيفا و غیره ارائه کرده است.^۳ بنابراین به روشنی پیداست که صلاح‌الدین و ذکر روابط او با دولت‌های مسلمان مناطق شام، جزیره و عراق و گسترش قدرت وی در برخی مناطق قلمرو اسلامی نظیر حجاز و یمن، ترکیب و ساختار سپاه سلطان و دیگر پدیده‌های نظامی نظیر شهادت برخی امیران عرب در جنگ‌های صلیبی، بخش عمده‌ای از محتوای کتاب‌های تاریخی این دوره را به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که در بیشتر موارد، حتی با اغماض نیز باید پذیرفت که جنگ و جهاد، اصلی‌ترین درون‌مایه کتاب‌های تاریخی این دوره است.

۲.۲. بزرگداشت صلاح‌الدین و امیران ایوبی در متون تاریخی

بسیاری از مورخان اسلامی که به بُعد درس‌آموزی تاریخ توجه داشته‌اند، به منظور ارشاد و امر و نهی آیندگان و بر حذر داشتن آنها از تکرار اعمال نادرست گذشتگان، در صدد الگوسازی از فضیلت‌ها برآمده و با یادآوری برخی سیاست‌های فاضله، صاحبان این سیاست‌ها را به عنوان الگوی عملی معرفی کرده‌اند.^۴ در عصر ایوبیان نیز اصحاب تاریخ‌نگاری، تصویر یک جامعه آرمانی را در پس ذهن خود ترسیم کرده و دولت صلاح‌الدین را نزدیک‌ترین نمونه به این تصویر قلمداد کرده‌اند. آنان که اقدامات مجاهدانه صلاح‌الدین در برابر صلیبیان را ارج می‌نهادند، با بهره‌گیری از قلم خود چهره‌های مقدس و اسطوره‌ای از وی ترسیم کرده و با تألیف آثاری چند، شرح جنگاوری‌هاش را با شوری تمام منعکس ساخته‌اند. ابوشامه، نورالدین و صلاح‌الدین را حجت‌های

۱ کاهن (۱۴۷۰)، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۲ اجناد جمع جُند و به معنای اردوگاه است. گویا این اصطلاح فقط درباره شهرهای بزرگ شام به کار رفته و در مورد سرزمین‌های دیگر کاربرد نداشته است. برای آگاهی بیشتر ن. ک: یاقوت حموی (۱۳۸۵ ق.)، *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت: دارصادر، ص ۳۸؛ صاحب‌بن‌عباد (۱۴۱۴ ق.)، *المحیط فی اللغة*، ج ۷، بیروت: عالم‌الکتاب، ص ۵۰.

۳ برای نمونه ن. ک: ابن‌شداد (۱۹۹۱ م)، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۷۷.

۴ استنفورد، ص ۶۹.

الهی بر ملوک دیگر شمرده و مطالعه در احوال و سرگذشت آنان را که در برپایی جهاد و اعزاز دین کوشیده‌اند، واجب و به مصلحت مؤمنان دانسته است.^۱ وی حکومت آنها را به دوره خلفای راشدین تشبیه کرده و بر آن شده است تا سیره آنان را به عنوان الگویی مناسب برای پادشاهان بعدی تدوین کند.^۲

تفوق صلاح‌الدین بر مهار بسیاری از حرکت‌های اسماعیلی ضد حکومت که مخلاً امنیت، طغیان و شورش علیه ثبات سیاسی جامعه تلقی می‌شد، در آرمانی ساختن هر چه بیشتر چهره وی تأثیر مستقیم داشت،^۳ اما تردیدی نیست که ریشه چنین رویکردی را بیشتر باید در وضع سیاسی جهان اسلام مقارن ظهور ایوبیان جست‌وجو کرد. بی‌اعتنایی دستگاه خلافت عباسی به جنگ‌های صلیبی با وجود اشغال بسیاری از مناطق مسلمان‌نشین نواحی شام و افزایش روحیه یأس و انزوایی در میان آنها، بیشتر ساکنان این مناطق را به بی‌رغبتی در جهاد و توسل به دعا و یاری طلبیدن از عالم غیب متمایل ساخته بود.^۴ ابوشامه نوشته‌ای از قاضی فاضل عسقلانی خطاب به صلاح‌الدین آورده است که از درماندگی و آشفتگی وضع حاصل از جنگ و بی‌رغبتی مسلمانان بر ادامه نبرد حکایت می‌کند.^۵ عمادالدین نیز به همین مسئله اشاره کرده و از علاقه‌مندی صلیبیان برای ادامه جنگ و عدم تمایل مسلمانان برای مقابله، اظهار تأسف کرده است.^۶ در چنین شرایطی، بدیهیست که مقام مجاهدی چون صلاح‌الدین که با قاطعیت دفاع در برابر تهاجم بیگانگان را وجهه همت خویش ساخته بود، به یک قهرمان اسطوره‌ای و پادشاه آرمانی تبدیل شود؛ به‌ویژه آنکه صلاح‌الدین جهاد را سرلوحه اعمال سیاسی و بهانه کشورگشایی‌هایش قرار داده بود.^۷ نامه‌های

۱ ابوشامه، (۱۴۲۲ق)، ج ۱، ص ۹۲.

۲ همان‌جا.

۳ برای مطالعه بیشتر ن. ک: عبدالله ناصری طاهری (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۵؛ احمد بادکوبه هزاوه و معصومه آبانگه ازگمی (۱۳۹۴)، «عملکرد دوگانه ایوبیان در مواجهه با شیعیان امامیه و اسماعیلیه و بازتاب آن در تاریخ‌نگاری مصر و شام»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۱، ش ۴۱، ص ۱۸-۳۲.

۴ ن. ک: عبدالله ناصری طاهری (بی‌تا)، «آثار جنگ‌های صلیبی در صفحات شرقی جغرافیای اسلام»، نامه پژوهش، ش ۴، ص ۱۳۲-۱۴۹.

۵ ابوشامه (۱۴۲۲ق)، ج ۲، ص ۱۶۶.

۶ عمادالدین (۱۴۲۵ق)، ص ۴۷.

۷ ن. ک: حسن انصاری قمی (۱۳۸۵ش)، «دین و دولت در دولت‌های زنگی و ایوبی»، کتاب ماه، ش ۱۰۴-۱۰۶، ص ۷-۲۰.

وی خطاب به خلیفه ناصر، در توجیه اهدافش برای حمله به دمشق و حلب مؤید این ادعاست: «أنا لا نوقر للإسلام و اهله الا ما جمع شملهم و آلف كلمتهم»^۱ و «... و هذه المقاصد الثلاثة: الجهاد في سبيل الله و الكف عن المظالم عباد الله و الطاعة لخليفة الله هي مراد الخادم من البلاد اذا فتحها و...»^۲.

گفتنی است که مقوله قهرمان در نظر مورخان مسلمان با چهره قهرمان باستانی در ادبیات قدیم روم و یونان متفاوت است. در تاریخ‌نگاری اسلامی، همواره خصایل والای دینی و اخلاقی قهرمان، مورد نظر بوده است و آنان که درباره صلاح‌الدین قلم‌فرسایی کرده‌اند، وی را چیزی جز پدیده‌ای در خدمت دین و اجتماع نمی‌دانستند؛^۳ لذا او را نه سلطانی خشن و جنگجو، بلکه عارفی زاهد و متعبد توصیف کرده‌اند که جمیع همه صفات ایمانی و مکارم و فضایل اخلاقی است. ابن شداد ضمن اینکه قلمش را قاصر از بیان فضایل صلاح‌الدین دانسته، وی را جمیع همه صفات ایمانی و مکارم اخلاقی توصیف کرده و برایش به سبب فزونی ایمان و برافراشتن عَلمِ عدل و احسان، بهشت برین و قرار گرفتن در جوار رحمت حق را مسئلت کرده است. وی ایوبیان را پادشاهانی باشکوه‌تر از پیشینیان خوانده است که هم با از بین بردن رافضیان (اسماعیلیان)، شریعت را برقرار کردند و قلمرو مصر را از بدعت‌های باطنیان پاک نموده‌اند و هم خداوند به واسطه آنها، اورشلیم را از دست کفار خارج کرد.^۴

عمادالدین که مدینه فاضله مورد نظرش را در پرتو حکومت صلاح‌الدین یافته، وی را سلطان غازی و محیی خلافت و محوکننده بدعت‌ها خوانده و کوشیده است با نوشتن کتابی درباره مهم‌ترین حادثه حیات سیاسی سلطان، یعنی فتح بیت المقدس، مراتب وفاداری خویش را نسبت به ولی نعمتش نشان دهد.^۵ ابن‌واصل ایوبیان را خاندانی والامقام و عظیم‌الشأن در میان سایر حکام و احیاکننده و برپاسازنده دین حنیف توصیف کرده است^۶ که هم عزت مسلمین را در برابر مهاجمان صلیبی حفظ کرده‌اند و هم با برچیدن بساط الحاد و بددینی اسماعیلیان از جامعه مسلمانان، اقتدار

۱ ن.ک: ابن‌واصل، ج ۲، ص ۱۸.

۲ ن.ک: ابوشامه، همان، ج ۲، ص ۴۸.

۳ عبدالعلیم خضر، (۱۳۸۹)، *مسلمانان و نگارش تاریخ*، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت، ج ۱، ص ۲۱۶.

۴ ن.ک: ابن‌شداد (۱۴۱۵ق)، ص ۲۵-۲۶.

۵ ن.ک: عمادالدین (۱۴۲۵)، ص ۶.

۶ ابن‌واصل، ج ۱، ص ۱-۲.

خلافت را احیا کرده‌اند.^۱ وی با ذکر ابیاتی در مدح سلطان، به مقایسه ایام دستیابی حضرت یوسف^(ع) بر مملکت مصر و هنگامه تسلط صلاح‌الدین یوسف بر این سرزمین پرداخته و حکومت او را به فال نیک گرفته است.^۲ اسامقین منقذ نیز که فقط چند سال پایانی عمرش را در دوره صلاح‌الدین سپری کرده،^۳ در مدح و ستایش وی کوتاهی نکرده و به توصیف جایگاه دینی و دنیوی سلطان پرداخته است. ابوشامه اشعاری از وی در توصیف عدالت‌ورزی، زهد و مجاهدت سلطان آورده است.^۴

بنداری ضمن تقدیم نصره الفتره و عصرة الفطرة به ملک عیسی ایوبی، او را جامع اخلاق عالی فرمانروایان و زیور همه شهریاران عرب و عجم معرفی کرده که به نور دانش‌هایش، هم امنیت برقرار شده و هم کشور از انحراف و گمراهی رهاییافته است.^۵ نابلسی نیز ملک صالح نجم‌الدین ایوب(حک: ۶۳۷ق-۶۴۷ق) را مدح کرده و وی را سرور همه ملوک و پادشاهان شرق و غرب عالم خطاب کرده است؛ همچنین پدر او ملک کامل(حک: ۱۵ق-۳۵ق) و پدربزرگش ملک عادل(حک: ۳۵ق-۳۷ق) را شهید و عظیم‌الشان خوانده و با ذکر ابیاتی در ستایش آنان، به امیران ایوبی اظهار ارادت کرده است.^۶

گاه برخی مورخان به منظور قداست‌بخشی مقام ایوبیان به‌ویژه صلاح‌الدین، به ثبت رؤیایها و تخیلات خود نیز اقدام کرده‌اند. هروی صلاح‌الدین را «عبدالصالح» خوانده^۷ و رؤیای خود را به عنوان شاهی بر تأیید عظمت و قداست صلاح‌الدین و اهمیت دینی اقدام وی در فتح بیت‌المقدس آورده است:

«در سال ۵۷۰ق. وارد مرز عسقلان شدم، شبی را در مشهد ابراهیم بی‌توته کردم. در خواب رسول‌الله را دیدم در حالی که میان جماعتی بود، پس به او سلام کردم و دستش را بوسیدم و گفتم یا رسول‌الله، چه خوب می‌شد این مکان از برای اسلام می‌بود. ایشان گفتند: به زودی از آن اسلام می‌شود و باقی می‌ماند. سپس بیدار شدم و آنچه را که دیده بودم بر کاغذ نوشتم و قدس و عسقلان

۱ همان، ج ۱، ص ۲۸.

۲ همان، ج ۱، ص ۱۴۹، ۱۸۶.

۳ درباره او ن.ک: ابن‌عدیم(۱۴۰۸ق)، ج ۳، ص ۱۳۵۹-۱۳۷۰.

۴ ابوشامه(۱۴۲۲ق)، ج ۲، ص ۵۸۴.

۵ بنداری، ص ۱۸۳.

۶ نابلسی، ص ۲-۳.

۷ هروی(۱۴۲۳ق)، الإشارات إلى معرفة الزیارات، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، ج ۱، ص ۲۴.

در سال ۵۱۳ق. فتح شد.^۱

موفق‌الدین بن عثمان که مرشد الزوار را در توصیف آرامستان مقطم مصر نوشته، از ثنای صلاح‌الدین باز نمانده و ضمن معرفی مزار قاضی فاضل، رؤیایی از وی نقل می‌کند که در خواب، صلاح‌الدین را نشسته بر سریری از نور مشاهده کرده است که صلحا و بهشتیان گرداگردش حضور داشتند و او را تکریم می‌کردند.^۲

بنابراین چندان هم بیراه نیست اگر برخی محققان، عظمت صلاح‌الدین را نتیجه کم و کیف کار سرگذشت‌نگاران او ارزیابی می‌کنند^۳ و عده‌ای هم بخش اعظمی از تصویری که درباره صلاح‌الدین عرضه شده است را مرهون احساسات مثبت مورخان و عالمان سنی‌مذهبی دانسته‌اند که حامیان اصلی خلافت و از دشمنان سرسخت فاطمیان بودند.^۴

۳. تأثیر‌گذاری بر ادبیات نگارشی تاریخ‌نگاری

در دوره ایوبیان نیز زبان عربی به عنوان وسیله اصلی بیان در تمدن اسلامی، پویایی علمی و ادبی نوشته‌های تاریخی را تحت‌الشعاع قرار داد و حتی در دورترین نقاط دنیای اسلام، نظیر مغرب، به عنوان زبان نگارشی جامعه علمی غلبه داشت.^۵ اما حضور گسترده ادیب-مورخانی چون عمادالدین اصفهانی، قاضی فاضل، اسامقین منقذ، ابن‌ابی‌طی، قفطی، ابن‌ظافر و دیگران در عرصه تاریخ‌نگاری این دوره موجب شد تا همین زبان با انواع پیچیدگی‌ها و تکلف‌های ادبی‌اش وارد متون تاریخی شود. در این دوره بسیاری از دبیران و دیوانیان که بر آن بودند توان ادبی خود را در زمینه‌های مختلف فن بیان ابراز کنند، به لحاظ بلاغی سبک پیچیده دیوانی را وارد تاریخ‌نگاری کردند و اگر نگوئیم سبکی جدید، دست کم مدل ذهنی مهمی را در نگارش تاریخ به وجود آوردند.^۶ به کارگیری لغات غریب و بدیع، صنایع و آرایه‌های ادبی، مبالغه و اغراق، لفاظی و بازی با کلمات و قلم‌فرسایی درباره تاریخ، به پیدایش کتاب‌هایی با مضامین تاریخی و در عین حال با

۱ همان، ص ۲۲.

۲ ابن‌عثمان، ج ۱، ص ۶۱۶-۶۱۷.

۳ روزنتال، ص ۱۹۵.

۴ ن.ک: انصاری قمی، ص ۷-۲۰.

۵ در این باره ن.ک: روزنتال، ص ۱۸؛ عبدالعزیز دوری (۱۹۹۲م)، *کتابه التاريخ العربی*، بیروت: مرکز الدراسات الوحده

العربی، ص ۴-۱۳.

۶ میثمی، ص ۲۳.

نثری مصنوع، متکلف و دشوار انجامید. آوردن ابیاتی از شعرا که بیشتر در نوشته‌های تاریخی مسلمانان امری معمول و رایج بود، در این دوره به عنوان وسیله‌ای برای توصیف جذاب‌تر وقایع تاریخی مورد استقبال بیشتر مورخان قرار گرفت.^۱

قاضی فاضل بیسانی که در نوشتن مکاتبات دیوانی و نگاشتن به سبک مزین و متکلف شهرت دارد، نمونه شاخصی از این افراد است که ادبیات نگارشی این دوره را تحت تأثیر قرار داده است.^۲ به گفته سبکی، در صنعت ترسل^۳ پیش و پس از او کسی نیامده است و جایگاهش در ادب، همچون مقام شافعی و ابوحنیفه در میان قههاست.^۴ عزالدین بن شداد اسلوب ترسل قاضی فاضل را برگزید و در حفظ و نشر آن کوشید.^۵ وی در *الاعلاق الخطیره* از صنایع لغوی، آرایش‌های بیان و کلمات بدیع بهره فراوان برده است، کلام خود را به سجع و موازنه آراست و با ذکر جملات قصار و اشعار برخی شاعران پیش از خود، بسیاری از آنها را از نابودی و فراموشی رها نید. ذکر مرثیه‌های طولانی از خواهر ولید بن طریف که در رثای برادرش سروده، نمونه‌ای از این موارد است.^۶ قفطی نیز هنر نویسندگی اش را در *إنباه الرواة علی أنباه النحاة* به نمایش گذاشته و کتابش را آکنده از اشعار و جملات قصار و نغزگویی‌های اهل نحو و ادب کرده است.^۷

روزنتال قرن هفتم هجری را دوره اوج نگارش تواریخ منظوم دانسته است که اگرچه قالب مناسبی برای عرضه تاریخ نبوده، اما بی‌شک بازتاب تحولات جامعه مؤلف بوده است.^۸ ابن سعید مغربی متأثر از فضای حماسی حاکم بر زمانه خود و نیز تحت تأثیر علقه‌های وطن‌دوستانه‌اش نسبت به اندلس، تمایلات ادبی خویش را بر تاریخ‌نگاری و جغرافیای‌نویسی‌اش ترجیح داده و

۱ روزنتال، ص ۲۰۱.

۲ درباره سبک نگارش قاضی فاضل ن. ک: تقی‌الدین ابی‌بکر حموی (۱۴۲۶ق)، *ثمرات الأوراق*، بیروت: المكتبة العصرية، ص ۹۶-۹۷؛ هادیة راغب الدجانی (۱۰۶۱م)، «القاضی الفاضل، عبدالرحیم البیسانی»، رسالة لحصول علی درجة استاذ علوم، بیروت: الجامعة الأمیرکية، ص ۷۹-۱۱۰.

۳ ترسل نامه‌نگاری با آداب دبیری است، از فروع فن انشا و علم بلاغت که در آن، احوال نویسنده نامه و گیرنده آن نیز ذکر می‌شود، با اصطلاحات بلیغ و مخصوص و مناسب هر طایفه که به نظم و نثر نوشته می‌شود. برای مطالعه بیشتر ن. ک: قلقشندی، ج ۱، ص ۸۱-۸۴؛ قنوجی (۱۴۲۰ق)، *ابجد العلوم*، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۱۳۵.

۴ سبکی (بی‌تا)، *طبقات الشافعیة الکبری*، ج ۷، بی‌جا، ص ۱۶۷.

۵ در این باره ن. ک: ابن شداد (۱۹۹۱م)، ج ۳، مقدمه محقق، ص ۲۵-۲۶.

۶ ابن شداد، *الاعلاق الخطیره*، ج ۳، ص ۲۲-۲۴.

۷ برای نمونه ن. ک: قفطی (۱۴۲۴ق)، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*، ج ۲، ص ۲۹، ج ۳، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۸ ن. ک: همان، ص ۲۰۶-۲۰۹.

کوشیده است بدین‌وسیله شکوه و زیبایی موطنش را به تصویر بکشد. نثر آهنگین و موزون ابن سعید در سراسر المغرب جریان دارد و به هنگام توصیف شهرها وضوح بیشتری می‌یابد. وی در توصیف جغرافیای شهر «مریة»، چنین آورده:

و أما المریة فلها علی غیرها من نظرائها أظهر مزیة، بنهرها الفضی، و بحرها الزبرجدی، و ساحلها التبری، و حصاها المجزّع، و منظرها المرصع، أسوارها العالیة الراسخة، و قلعها المنیعة الرفیعة الشامخة و...^۱

المغرب مملو از ابیات شاعران اندلسی است که در فصل‌های مستقلی با عنوان «الأهداب» ذکر شده است.^۲ در واقع ابن سعید با برگزیدن چنین سبکی برای نگارش یک اثر تاریخی و جغرافیایی، تا حدی از هدف اصلی تاریخ‌نگاری دور شده است.

اهتمام مورخان به سرودن اشعار جهاد و حماسه، بر قوت این روند افزوده است.^۳ نفوذ قهرمانانی چون صلاح‌الدین و تلاش برای وصف شاعرانه و ادیبانه شخصیت حماسی او، کافی بود تا ذوق هنری گروهی از تاریخ‌نگاران را برانگیخته و آنان را به قلم‌فرسایی در مدح و ثنای ولی نعمتشان ترغیب کند.^۴ البرق الشامی که در واقع شهنامه‌ای درباره صلاح‌الدین است، نمونه بارزی از این آثار است. لفظ‌پردازی و بازی با کلمات گاه چنان اغراق‌آمیز است که خواننده در تلاطم آرایه‌های ادبی، سررشته مطالب تاریخی را از دست می‌دهد.^۵ عمادالدین الفتح القسی را نیز متأثر از محتوای حماسی‌اش با سبکی موزون و مسجع تدوین کرده که البته بر دشواری فهم آن افزوده است. وی در توصیف سپاه صلاح‌الدین که متشکل از اقوام مختلف بود چنین نوشته است:

... و الجيش الجائش و التبرک و الأكادش و الجنود و البنود و الأسود السود و الفیائق و الفواق و البیارق و البوارق.^۶

۱ ابن سعید مغربی (۱۱۹۷م)، المغرب فی حلی المغرب، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲ برای نمونه ن. ک: همان، ج ۱، ص ۱۱۰، ۱۹۷، ج ۲، ص ۲۱، ۲۳۵، ۳۱۶.

۳ در این باره ن. ک: روزنتال، ص ۲۰۴-۲۱۰؛ محمدیوسف عبدالعزیز غریب (۱۴۳۰ق)، «انجهاش شعرالجهاد فی مصر و الشام زمن الزنکیین و الأیوبیین»، رسالة لمتطلبات علی درجة الماجستير، جامعة الخلیل، ص ۱۸۰-۱۹۸.

۴ کاهن (۱۳۷۹)، ص ۱۶۲.

۵ برای نمونه ن. ک: عمادالدین کاتب اصفهانی (۱۹۸۷م)، البرق الشامی، ج ۳، عمان- اردن: مؤسسة عبدالحمید شومان، ص ۱۶۶-۱۷۰.

۶ عمادالدین (۱۴۲۵ق)، ص ۴۲-۴۳.

تردیدی نیست که در پس سبکی که برخی مورخان ایوبی، برای تاریخ‌نگاری برگزیده‌اند،^۱ منطقی حاوی پیام مؤلف وجود دارد که از همان پیوند عمیقی ناشی می‌شود که میان ملاحظات اخلاقی و سبک بلاغی در تاریخ‌های سلسله‌ای برقرار است. البته این بدان معنا نیست که نویسندگان قصد نقاب زدن بر حقایق یا تکذیب آنها را داشته و یا بر آن است تا با به کارگیری یک سبک مزین و متکلف، حقیقتی تاریخی را کتمان سازد که اغلب، صداقت مورخان از نقل‌ها و مدارک مورد استنادشان به‌خوبی شناخته می‌شود، اما روایت جزئیات در این سبک، گاه چنان تحت نفوذ لفاظی‌های سخن قرار می‌گیرد که وجه واقعیت تاریخی آن مهجور می‌ماند.

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری مصر و شام با ظهور دولت سنی مذهب ایوبی و متأثر از وضعیت خاص سیاسی و نظامی و مذهبی حاکم بر این دوره، از رشد قابل توجهی برخوردار شد و در عین حال با برخی تحولات و دگرگونی‌ها در صورت و محتوا روبه‌رو شد که به عنوان مشخصه‌های بارز و متمایز تاریخ‌نگاری عصر ایوبی به‌شمار می‌رود. در این دوره، تاریخ‌نویسندگان سیاسی افزایش یافت و غلبه مضامین سیاسی و نظامی بر محتوای متون تاریخی، دوچندان شد. مقوله جهاد، جنگ‌های صلیبی و اخبار فتوحات و لشکرکشی‌ها اصلی‌ترین درون‌مایه آثار تاریخی این دوره بود. افزایش تاریخ‌های دودمانی و تک‌نگاری درباره سلاطین، تاریخ‌های محلی و تراجم‌نویسی و در مقابل، کاهش تاریخ‌نویسندگان عمومی بازتاب تحولات سیاسی و نظامی عصر ایوبیان بر تاریخ‌نگاری این دوره است. تاریخ‌نگاری توصیفی نیز متأثر از محتوای حماسی آثار، با قوت بیشتری تداوم یافت. در متون تاریخی این دوره، امیران ایوبی به‌ویژه صلاح‌الدین که در نظر علمای جامعه از مقبولیت سیاسی و مشروعیت مذهبی برخوردار بودند، به عنوان پادشاهی آرمانی تجلیل و به عنوان الگویی مناسب برای فرمانروایان مسلمان معرفی شده‌اند. بسیاری از منابع تاریخ‌نگاری این دوره با نثرهای مسجع، آهنگین و متکلف نگاشته شده است که از فضای حماسی حاکم بر زمانه حکایت می‌کند.

۱ درباره سبک ادبی رایج در این دوره نک: مصطفی، محمود (۱۳۸۷ق)، *الادب العربی فی مصر من الفتح الاسلامی الی نهایة العصر الایوبی*، مصر: دارالکتب العربی لطباعة و النشر، ص ۳۱۳-۲۶۱؛ غفرانی، ص ۲۷۴-۳۶۳.

منابع و مأخذ

- ابن خلكان، شمس الدين احمد (۱۴۲۰ق)، *وفيات الاعيان و انباء انباء الزمان*، تحقيق احسان عباس، بيروت: دار الفكر.
- ابن سعيد مغربي، علي بن موسى (۱۱۹۷م)، *المغرب في حلى المغرب*، تحقيق خليل عمران منصور، بيروت: دار الكتب العلمية، ج ۱.
- ابن شاکر کتبی، محمد (۱۹۷۳م)، *وفات الوفیات و الذیل علیها*، تحقيق احسان عباس، بيروت: دار صادر، ج ۱.
- ابن شداد، بهاء الدين يوسف (۱۴۱۵ق)، *النوادر السلطانية و المحاسن اليوسفية (سيرة صلاح الدين)*، تحقيق جمال الدين الشیال، قاهره: مكتبة الخانجي.
- ابن شداد، عز الدين محمد (۱۹۹۱م)، *الاعلاق الخطيرة في ذكر أمراء الشام و الجزيرة*، تحقيق يحيى زكريا عتّاره، دمشق: إحياء التراث العربي.
- ابن ظافر، علي بن منصور (۱۹۹۹م)، *أخبار الدول المنقطعة*، تحقيق عصام مصطفى هزيمه و ديكران، اردن: مؤسسه حماده و دار الكندي للنشر.
- ابن عبري، غريغوريوس الماطلي (۱۹۹۲م)، *تاريخ مختصر الدول*، تحقيق انطون صالحاني اليسوعي، بيروت: دار الشرق و دار، ج ۳.
- ابن عثمان، موفق الدين (۱۴۱۵ق)، *مرشد الزوار إلى قبور الأبرار*، تحقيق محمد فتحي ابوبكر، قاهره: دار المصريه اللبنانيه، ج ۱.
- ابن عديم، كمال الدين عمر (۱۴۲۵ق)، *زبدة الحلب من تاريخ حلب*، تحقيق سهيل زكار و سامي الدهان، دمشق و قاهره: دار الكتب العربي، ج ۲.
- ----- (۱۴۰۸ق)، *بغية الطلب في تاريخ حلب*، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، ج ۱.
- ابن عماد حنبلي، شهاب الدين (۱۴۰۶ق)، *شذرات الذهب في أخبار من ذهب*، تحقيق الأرنؤوط، دمشق- بيروت: دار ابن كثير، ج ۱.
- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایه*، بيروت: دار الفكر.
- ابن واصل، جمال الدين محمد (۱۹۵۳م)، *مفرج الكروب في اخبار بني ايوب*، تحقيق جمال الدين شيال، قاهره: مكتبة جامعة الاسكندريه.
- ابوشامه، شهاب الدين اسماعيل (۱۴۲۲ق)، *كتاب الروضتين في اخبار الدولتين التوريه و الصلاحيه*، تحقيق ابراهيم شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلميه، ج ۱.
- ----- (۱۴۲۲ق)، *تراجم رجال القرنين السادس و السابع المعروف بالذيل على الروضتين*، تحقيق ابراهيم شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلميه، ج ۱.
- اسامقبن منقذ (۱۸۸۴م)، *كتاب الاعتبار*، تحقيق هرتويگ درانورگ، ليدن: بريل، ج ۱.
- استنفورد، مايكل (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تاريخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقي، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع) و سمت، ج ۴.

- اشپولر، برتولد (۱۳۶۰)، «تکوین تاریخ نگاری ایران»، مجموعه مقالات: تاریخ نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چ ۱.
- انصاری قمی، حسن (۱۳۸۵)، «دین و دولت در دولت های زندگی و ایوبی»، کتاب ماه، ش ۱۰۴-۱۰۶.
- بادکوبه هزاوه، احمد و معصومه آبانگاه از گمی (۱۳۹۴)، «عملکرد دوگانه ایوبیان در مواجهه با شیعیان امامیه و اسماعیلیه و بازتاب آن در تاریخ نگاری مصر و شام»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۱، ش ۴۱.
- بلک، جرمی و دونالد م. مکر ایلد (۱۳۹۰)، مطالعه تاریخ، ترجمه محمدتقی ایمان پور، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چ ۱.
- بنداری، فتح بن علی (۱۹۷۹م)، *سنا البرق الشامی*، تحقیق فتحیه النبروی، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ----- (۱۴۲۵ق)، *تاریخ دولة آل السلجوق*، تحقیق یحیی مراد، بیروت: دارالعلمیه، چ ۱.
- بواعنه، لؤی ابراهیم (۲۰۰۹م)، «یحیی بن ابي طیء مؤرخاً»، عمان- اردن: *المجلة الأردنية للتاریخ والآثار*، ش ۲.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۱۳ق)، *كشف الظنون عن اسامی الكنب و الفنون*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۶)، «تاریخ نگری و تاریخ نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی»، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، س ۱۷، ش ۶۵.
- حموی، تقی الدین ابی بکر (۱۴۲۶ق)، *ثمرات الأوراق*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المکتبه العصریه.
- خضیر، عبدالعلیم عبدالرحمن (۱۳۸۹)، *مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ نگاری اسلامی*، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت، چ ۱.
- دوری، عبدالعزیز (۱۹۹۲م)، «کتابه التاریخ العربی»، *المستقبل العربی*، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربی.
- رایسنسون، جیس اف (۱۳۹۲)، *تاریخ نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران: نشر سمت، چ ۱.
- راغب دجانی، هادیه (۱۰۶۱م)، «القاضی الفاضل، عبدالرحیم الیسانی»، رساله لحصول علی درجه استاذ علوم، بیروت: الجامعه الامیرکیه.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۷)، *تاریخ تاریخ نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۲.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م)، *الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت: دار العلم الملایین، چ ۸.
- سبطین جوزی، شمس الدین یوسف بن قرأغلی (۱۴۲۲ق)، *مرآة الزمان فی تاریخ الأعیان: الجزء الثانی عشر*، تحقیق فهمی سعد، بیروت: عالم الکتب.
- سبطین عجمی، احمد (۱۴۱۷ق)، *کنوز الذهب فی تاریخ حلب*، تحقیق شوقی شعث و فالح بکور، حلب: دارالقلم العربی، چ ۱.

- سبکی، ابونصر عبدالوهاب [بی‌نا]، طبقات الشافعیة الكبرى، تحقیق محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محد الحلو، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۰)، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران: سمت، چ ۳.
- سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ق)، تاریخ التراث العربی، نقله إلى العربية: محمود فهمی حجازی و دیگران، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی العامة.
- سقرات، براءة محمود، کتاب الإعتبار لأسامة بن منقذ دراسة التحليلية، رسالة لمتطلبات الحصول على درجه الماجستير، جامعة مؤتة، ۲۰۱۱م.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۱۸ق)، حسن المحاضره فی أخبار مصر و القاهرة، تحقیق منصور خلیل عمران، بیروت: دار الکتب العلمیة، چ ۱.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۰)، درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسلمانان، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده تاریخ و سیره، چ ۱.
- صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، تحقیق محمدحسن آل‌یاسین، بیروت: عالم‌الکتاب.
- صنهاجی، ابن‌حماد (۱۳۷۸)، تاریخ فاطمیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: امیرکبیر، چ ۱.
- طباطبائی، محمدراغب (۱۴۰۸ق)، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، حلب: دارالقلم العربی، چ ۲.
- طقوش، محمدسهیل (۱۳۹۱)، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۷.
- عبدالعزیز غریب، محمدیوسف (۱۴۳۰ق)، «اتجاهات شعر الهجاء فی مصر و الشام زمن الزنکین و الأیوبیین»، رسالة لمتطلبات الحصول على درجة الماجستير، جامعة الخلیل.
- عبداللطیف بغدادی، موفق‌الدین (۱۴۰۳ق)، الإفادة و الإعتبار فی الأمور المشاهدة و الحوادث و المعاینة بأرض مصر، تحقیق غسان سبانو، دمشق: دار قتیبه.
- عطوان، حسین (۱۹۸۶م)، روایة الشّامین للمغازی و السّیر فی القرنین الأول و الثانی الهجرین، عمان: دار الجیل.
- عمادالدین کاتب اصفهانی، محمد (۱۴۲۵ق)، الفتح القسی فی الفتح القدسی، قاهره: دار المنار، چ ۱.
- ----- (۱۹۸۷م)، البرق الشامی، تحقیق فالح حسین، ج ۳، عمان - اردن: مؤسسة عبدالحمید شومان.
- ----- (۱۹۸۶م)، مقدمه تحقیق خریده القصر و جریده العصر، تحقیق محمد بهجة الأثری و دیگران، ج ۱۰، تونس، [بی‌نا]، ص ۲۸.
- عنان، محمدعبداللّه (۱۹۹۱م)، مورخو مصر الاسلامیه و مصادر التاریخ المصری، قاهره، دار عالم‌المعرفة.
- غفرانی، علی (۱۳۸۰)، «پژوهش در منابع تاریخی دوره ایوبی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۰.
- فروخ، عمر (۱۹۸۴م)، تاریخ الادب العربی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- قرشی، ه (۱۳۶۷)، «تاریخ‌نگاری»، ترجمه حسن انوشه، مجموعه مقالات: تاریخ فلسفه در اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ ۱.
- قفطی، ابوالحسن (۱۴۲۴ق)، انباه الرواة علی أنباه النحاة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: مکتبه

- عصریة، چ ۱.
- قلقشندی، احمد(بی تا)، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قنوجی البخاری، صدیق(۱۴۲۰ق)، *أبجد العلوم*، تحقیق احمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کار، ادوارد هالت(۱۳۸۷)، *تاریخ چیست؟*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: خوارزمی، چ ۶.
- کاهن، کلود(۱۳۷۰)، *درآمدی بر تاریخ اسلام قرون وسطی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ----- (۱۳۷۹)، «تاریخ و مورخان اسلامی تا پایان دوران عباسی»، ترجمه شهلا بختیاری، *تاریخ اسلام*، س ۱، ش ۱.
- کراچکوفسکی، ایگناتی بولیانوویچ(۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چ ۱.
- گیب، همیلتون(۱۳۶۱)، «ادیبات شرح حال‌نویسی در اسلام»، مجموعه مقالات: *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: گستره.
- مصطفی، شاکر(۱۹۸۳م)، *التاریخ العربی و المؤرخون دراسة فی تطور علم التاریخ و معرفة رجاله فی الاسلام*، بیروت: دار العلم للملایین، چ ۲.
- مصطفی، محمود(۱۳۸۷ق)، *الادب العربی فی مصر من الفتح الاسلامی إلى نهاية العصر الايوبی*، مصر: وزارة الثقافة، دارالکتب العربی لطباعة و النشر.
- مقریزی، احمد(۱۴۱۸ق)، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، تحقیق خلیل المنصور، بیروت: دار الکتب العلمیة، چ ۱.
- میثمی، جولی اسکات(۱۳۹۱ش)، *تاریخ‌نگاری فارسی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: نشر ماهی، چ ۱.
- نابلسی الصفدی، ابی عثمان(۱۸۹۸م)، *تاریخ الضیوم و بلاده*، قاهره: المطبعة الأهلیة.
- ناصری طاهری، عبدالله(۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال افریقا از آغاز تا ظهور عثمانی ها*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.
- ----- (بی تا)، «آثار جنگ‌های صلیبی در صفحات شرقی جغرافیای اسلام»، *نامه پژوهش*، ش ۴.
- نعیمی دمشقی، عبدالقادر(۱۴۱۰ق)، *المدارس فی تاریخ المدارس*، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، چ ۱.
- نورائی، مرتضی و مهناز شعربافچی‌زاده(۱۳۹۰)، *تاریخ‌نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱.
- ویت، گاستون(۱۳۶۵)، *قاهره شهر هنر و تجارت*، ترجمه محمود محمودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲.
- هروی، علی بن ابوبکر(۱۴۲۳ق)، *الإشارات إلى معرفة الزیارات*، تحقیق علی عمر، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، چ ۱.

- هوار، کلمان(۱۳۶۱)، «ادبیات جغرافی‌نگاری و تاریخ‌نگاری در اسلام»، مجموعه مقالات: تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چ ۱.
- یاقوت حموی، ابو عبدالله شهاب‌الدین(۱۴۱۴ق)، معجم الأدياء، بیروت: دار الغرب الاسلامی، چ ۱.
- ----- (۱۳۸۵ق)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- بسری، عبدالغنی عبدالله(۱۴۱۱ق)، معجم المؤرخین المسلمین حتی القرن الثانی عشر الهجری، بیروت: دار الکتب العلمیه، چ ۱.
- یونینی، قطب‌الدین موسی(بی‌تا)، ذیل مرآة الزمان، تحقیق حمزه احمدعباس، ابوظبی: هیئة أبوظبي للثقافة و التراث المجمع الثقافی.
- M.Hilmy M. Ahmad(1962), "Some notes on Arabic historiography during of the Zngid and Ayyubid periods"– *Historians of the middle East*–Oxford university press, Newyork.
- Lewis, Bernard(2008),"Egipt and Syria", *The Cambridge History of Islam*, VIA, London:Cambridge University Press, P175–231.
- Rosenthal. F(1986), "Ibn Abi ,l-Dam" , *The Encyclopaedia of Islam*, III, Leiden– London.





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز